

کتابخانه
Bibliothek in Hannover

راه توده

نشریه مجله ایران حزب توده ایران در خارج از کشور

دو پنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۴ مطابق
۱۱ ژوئن ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۹۵
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

صلح، خواست مبرم زحمتکشان ایران است

آمریکادرخلیج فارس گفته است: "به زودی در این منطقه، تحت رهبری آمریکا گروه پندی نظامی-سیاسی، مطابق الگوی ناتو تشکیل خواهد شد".

هفته گذشته، عربستان سعودی با سرنگونی یک هواپیمای جنگنده ایران به وسیله نظامیان و تجهیزات جاسوسی آمریکایی، گوشه‌ای از تدارکات گسترده امپریالیسم و ارتجاع برای بهره برداری بیشتر از شرایط ناشی از گسترش تشنج و ناامنی در خلیج فارس را به نمایش گذاشت.

صادرات نفت جمهوری اسلامی از یک میلیون و هشتصد هزار بشکه به ۵۰۰ هزار بشکه در روز تنزل پیدا کرده است (فرانکفورتر آلمانی - ۸ ژوئن ۸۴). این امر فشار غیر قابل تحمل بر اقتصاد وابسته و بحران زده جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد.

بقیه در صفحه ۷

صدارایی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه به بهانه مقابله با ناامنی آب راه‌های بین‌المللی در خلیج فارس تحکیم می‌شود.

ایالات متحده تدارکات خود را برای دخالت نظامی مستقیم در خلیج فارس "به دعوت یکی از کشورهای منطقه" به مراحل نهایی نزدیک می‌کند. در کنفرانس سران هفت کشور بزرگ امپریالیستی، بررسی مسئله خلیج فارس و هم‌آهنگی امپریالیسم جهانی برای تأمین منافع خویش در منطقه به پیشنهاد ایالات متحده در دستور کار قرار گرفته است.

فروش سلاح به عربستان سعودی و تقویت نظامی آن افزایش یافته است. تشکیل گروه پندی‌های سیاسی-نظامی نوین امپریالیستی در خلیج فارس، به بهانه افزایش تشنج در منطقه تسریع شده است. در این باره فرمانده نیروی دریایی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق اند

صفحه ۲

پاسخ دندان شکن مردم انقلابی اصفهان به توطئه شورای نگهبان

نظارات گسترده مردم در اصفهان با شعار "مرکز شورای نگهبان" کوس و رسوایی تبلیغات مفسده جویانه حاکمیت خائن به انقلاب را علیه حزب توده ایران که کویا بین مردم و حاکمیت نفاق می‌اندازد با صدایی پرطنین به صدا درآورده است.

صفحه ۴

شب چراغ تابان شد

افسون باطل شد. طلسم پاسداران ستم شکست. صدای پیر صلابت "کارگران جهان متحد شوید" در شعبده بازار اوراد و اذکار، طلسم، چادو، رنگ و نیرنگ، با نویدی نوین به یاری جویندگان راستی و داد آمد. مشعل اندیشه و امید زحمتکشان میهن ما باز فروزان گشت: "نامه مردم" دوباره منتشر شد.

پس از آنکه حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر سازمان ساواک ساخته حجتیه زانو بر زمین زد و زمین خدمت بوسید، با خشونت و درندگی نوجلادان، یورش "نهایی" خود را به حزب توده ایران، گردان رزمندگان پیشاهنگ و آگاه زحمتکشان میهن ما آغاز کرد. آنگاه ساواک پیروندگان حجتیه و نعلین بوسان آنها، اعوان و انصار سابق و لاحقشان و پامبری‌های ریز و درشتشان دست افشان و پاکوبان، لهله کنان و قیه کشان به یکدیگر تهریکی بی‌سلیت گفتند و شب و روز به رخ "بزرگ شیطان فرمانده" کشیدند که نه رضاخان و نه فرزند معدومش محمدرضا هیچ کدام نتوانستند شربه‌ای چنین کارا بر پیکر نهضت کارگری ایران فرود آورند. و اینک حزب توده ایران رفت به آنجا که مزدک بامدادان رفت. و این بار این "افتخار" باید فقط به نام حاکمیت سیاه روی جمهوری اسلامی در تاریخ ثبت گردد!

اما این "افتخار" چرکین و پلشت بسیار کوتاه عمرتر از آن بود که طراحان و مجریان آن می‌پنداشتند، از آن پشه‌های یک روزه بود که سحرگاه سر از تخم بدر می‌آوردند و شامگاه می‌میرند. آنچه در این میان ماندنی و فراموش نشدنی است، دست‌های آلوده و روی سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی است.

بقیه در صفحه ۲

زحمتکشان خوزستان، تأمین خواست‌های خود را می‌طلبند

جنگ خانمانسوز ایران و عراق، به ویژه در مناطق نفت‌خیز و موسسات تصفیه نفت خسارات جانی و مالی جبران ناپذیری به بار آورده است. کارگران نفت و افراد خانواده آنها که به واسطه تحمیل شرایط ناکزیرند در منطقه زندگی کنند به آماج اصلی عملیات جنگی طرفین بدل شده‌اند. وضعیت بحرانی و دامنه نارضایتی مردم هر روز اوج می‌گیرد. مطابق خبرهای رسیده اعتراضات مردم این ناحیه شدت بیشتری یافته است: در بهبهان که هم اکنون ۵۰٪ اهالی آن، خانه و کاشانه خود را رها کرده و در بدترین شرایط طاقت فرسا در روستاها زیر کپرها و چادرها و... به سر می‌برند هنگامی که - روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت - مطابق آداب و رسمشان بر مزار عزیزان خود جمع می‌شوند، این اعتراضات را به گونه‌ای

بقیه در صفحه ۱۴

احسان طبری: گفتگویی با فرانتس کافکا، درباره معنویت نبرد اینارگرانه انسان در راه خوشبختی

صفحه ۸

اوج گیری نفرت و خشم مردم ایتالیا علیه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی

صفحه ۵

همبستگی بین‌المللی کمونیست‌های جهان در جشن "عصر ما" به خاطر تأمین صلح و پشتیبانی از رزم خلق‌ها...

صفحه ۳

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق اند

شدن تنگه هرمز و یا تهدید کشتی رانی در خلیج فارس ساکت نخواهد نشست.

تشدید جنگ و توسعه دامنه آن به دیگر کشورهای منطقه با استراتژی واشنگتن برای تبدیل شاوورمیان به عرصه اجرای طرح های تجاوزگرانه علیه صلح و امنیت جهانی و نهضت های رهایی بخش ملی انطباق کامل دارد.

ما از روز نخست معتقد بودیم و امروز نیز عقیده راسخ داریم، که اختلافات موجود بین دولت ها باید از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل شود. متأسفانه سران جمهوری اسلامی تا کنون به فراخوان صلح سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، الجزایر، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز شخصیت های بین المللی پاسخ منفی داده اند. و این در شرایطی است که مبارزه علیه ادامه جنگ روز به روز در کشور ما گسترش می یابد.

مردم ایران خواهان صلح اند و برآنند که حل نظامی اختلافات بین دو کشور همسایه امکان پذیر نیست. ترک مخاصمه و دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار به نفع خلق های هر دو کشور، به نفع صلح جهانی و به زیان امپریالیسم است و هر چه زودتر باید عملی گردد. صلح، خواست عاجل توده های میلیونی زحمتکش است و باید برقرار شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۴ خرداد ۱۳۶۳

امپریالیسم مبارزه می کنند. هدف استتار بی آمدهای مخرب تجاوز اسرائیل به لبنان، تهدید استقلال سوریه و انحراف اذهان عمومی در ایران و عراق از دشمن مشترک، امپریالیسم و صهیونیسم است.

ترکز ناوگان هفتم آمریکا و ناوگان جنگی انگلستان و فرانسه در اقیانوس هند و دهانه تنگه هرمز و اعلام خلیج فارس به عنوان منطقه "منافع حیاتی" ایالات متحده و کوشش برای جلب کشورهای عربی خلیج فارس به "فرماندهی مرکزی" که بیش از ۱۹ کشور را تحت پوشش نیروهای "اقدام سریع" قرار می دهد، مین ما را با خطر جدی مواجه ساخته است. با حلات موشکی به نفتکش ها که رسانه های گروهی غرب سروصدای زیادی پیرامون آن به راه انداخته اند امکان چرخش جدید در جنگ ایران و عراق به وجود آمده که واشنگتن خواهان آن است.

توسعه جنگ، حضور نظامی فعال تر امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی خلق های تحت ستم را در این منطقه مهم استراتژیک و نفت خیز فراهم می آورد.

به نوشته مطبوعات غرب، سناریوی دخالت نظامی ایالات متحده در خلیج فارس به بهانه دعوت کشورهای منطقه از مدت ها پیش آماده شده است. رونالد ریگان در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود به وجود نقشه عملیات فوق العاده اعتراف کرد و گفت که ایالات متحده در قبال بسته

چون "جنگ، جنگ تا پیروزی"، "جنگ عامل تغییر ساخت اقتصادی" و یا "تنور جنگ را باید گرم نگاهداشت" ادامه جنگ را در گستره بی سابقه ای تبلیغ می کنند.

به جنگ ادامه می دهند تا معضلات عظیم اجتماعی و اقتصادی، احتکار و گرانی، کمبود مایحتاج زندگی، بیداد زراندوزان و مولدین فقر و ثروت را سرپوش گذارند. ادامه جنگ را تبلیغ می کنند تا احزاب و سازمان های انقلابی و ضد امپریالیستی، مدافعان راستین زحمتکشان را سرکوب و عرصه را برای یک تازی ارتجاع و عمال امپریالیسم خالی کنند. و بالاخره تنور جنگ را گرم نگه می دارند تا زدوبند پشت پرده با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا از انتظار پنهان بماند.

تردیدی نیست که ادامه جنگ به نفع امپریالیسم و به ضرر هر دو کشور همسایه در حال جنگ است. جنگ بهانه های اضافی به امپریالیسم آمریکا برای تقویت موضع خود در منطقه می دهد. نباید از نظر دور داشت، که استراتژی فشار نظامی - سیاسی امپریالیسم امروز نیز مانند گذشته وسیله ای برای تأثیر در روند تکامل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه به شمار می رود.

هدف امپریالیسم از شعله ور ساختن آتش جنگ ایجاد کانون های تشنج و درگیری در منطقه به قصد تشدید اختلاف میان خلق های شاوورمیان و نزدیک است که علیه سیادت

مردم مین ما قربانی جنگ خانمان براندازی هستند که دولتمردان جمهوری اسلامی با ساجت بدان ادامه می دهند. نه شمار سرسام آور کشته ها و مجروحین و معلولین که به صدها هزار نفر بالغ می شود و نسل جوان ایران را تهدید می کند، نه وجود دو میلیون آواره جنگی، نه اختصاص صدها میلیارد ریال از بودجه کشور برای خرید تجهیزات نظامی، که سود آن به گاو صندوق های سوداگران مرگ، انحصارهای اسلحه سازی غرب سرازیر می شود، مانع از آن نیست، تا حکام جمهوری اسلامی همچنان جنگ را یک وظیفه شرعی اعلام نکنند.

ادامه جنگ که کوهی از مصائب، فلاکت ها و ویرانی ها به بار آورده، سیاست ترور و اختناق را در کشور تشدید می بخشد. هزینه های عظیم نظامی از سویی و جذب بخش قابل توجهی از نیروی فعال جامعه به ارتش و سپاه و بسیج و غیره از سوی دیگر، شربات مهلکی بر پیکر اقتصاد کشور وارد می آورد. صنایع با ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت کار می کنند. تعداد بی کاران روز به روز افزایش می یابد. تولید کشاورزی در آستانه ورشکستگی کامل قرار دارد. واردات محصولات کشاورزی سرسام آور روبه افزایش است. فقر گسترده میلیون ها روستایی را به مهاجرت به شهرها مجبور می کند. نرخ تورم در سال گذشته به رقم ۴۰ درصد رسید.

سرمداران رژیم با طرح شعارهایی

شب چراغ تابان شد

بقیه اؤ صفحه ۱

دیگر زحمتکشان مین ما، در جان ها و دل های رزمندگان آگاه و زحمتکشان پیشرو و آرمان خواهان پاکدل و انسان دوست مین ما ریشه مهر دو انیده است. این حزبی است که امپریالیسم را که دشمن آشتی ناپذیر مردم مین ماست به آنها شناسانده است، حزبی است که مبارزه متشکل با امپریالیسم و ارتجاع را برای نخستین بار در تاریخ مین ما به زحمتکشان آموخته است،

و باز آنچه ماندنی و فراموش نشدنی است، این درس تاریخ و این تجربه به کرات آزمون شده است که حزب توده ایران، دست توانا و مغز اندیشمند زحمتکشان ایران، گردان رزمنده بین به دستان مین ما نیست شدنی نیست. این حزبی است که به دلیل قریب نیم قرن رزم بی وقفه، خونین، پریاتار و خستگی ناپذیر خود در راه بهروزی تیره روزان و نیک بختی کارگران، کشاورزان و

از سوی سازمان های حزبی در خارج از کشور و شورای نویسندگان "راه توده" انتشار دوباره "نامه مردم"، پرچم پیکار خستگی ناپذیر مردم ایران در راه استقلال، دمکراسی، صلح و عدالت اجتماعی را به شما از طریق شما به مردم قهرمان ایرا ن، طبقه کارگر و کشاورزان رزمنده ایران، به همه توده ای ها، فدایی ها، و دیگر رزمندگان انقلابی میهنمان شادباش می گوئیم و با شور و امید انقلابی آرزومند و چشم به راه پیروزی های روزافزونتان هستیم.

زنده باد کمیته مرکزی حزب توده ایران!

حزبی است که شناساننده و آفریننده فرهنگی نوین و مردمی در مین ماست، چنین حزبی از بین بردنی نیست. آرمان های خلق و برنامه حزب ما چنان با یکدیگر عجین گشته اند که همچون نور و آیین از هم جدایی ناپذیرند.

امپریالیسم و حاکمیت روسیاه جمهوری اسلامی کجا می توانند در برابر آرمان و اراده خلق بایستند و حزب توده ایران را براندازند؟ رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران! رفقای گرامی شورای نویسندگان "نامه مردم"!

همبستگی بین المللی کمونیست های جهان در جشن "عصرما" به خاطر تأمین صلح و پشتیبانی از رزم خلق ها...

قطعات تئاتری که در آن شکنجه و اعدام آزادی خواهان ایرانی توسط عمال ارتجاع کلان سرمایه داری و بزرگ زمین داری به نمایش در می آمد، شرکت کنندگان در جشن مردمی حزب برادر را به واقعیت

استعمارگرانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می رزمند، تبدیل کرده بود. هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال، بنا به

بی گیریانه و به طور خستگی ناپذیر ادامه می دهند؛ حزب کمونیست آلمان، حزب مبارزان راستین علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، حزب بشر دوستی و همبستگی خلق های جهان، جشن

روزهای ۲۵، ۲۶، ۲۷ ماه مه ۱۹۸۴، پانصد هزار شهروند آلمان فدرال، صدها هزار کمونیست آلمانی، هزاران دمکرات و صلح دوست این کشور، گروه بی شماری از شهروندان کشورهای دیگر که در جمهوری فدرال آلمان اقامت دارند و برای اهداف آزادی خواهانه و استقلال طلبانه خود پیکار می کنند، گردهم آمدند و بزرگ ترین جشن خلقی که صلح و دوستی در سرلوحه آن قرار داشت، برگزار کردند.

حزب کمونیست آلمان، حزب طبقه کارگر و زحمتکشان جمهوری فدرال آلمان، جشن روزنامه خود، "عصرما" را به گردهمایی پیکار برای پیشبرد خواست های برحق کارگران و زحمتکشان این کشور و به ویژه خواست کاهش ساعات هفتگی کار به ۲۵ ساعت در عین حفظ حقوق و مزایا، بدل ساخت.

حزب کمونیست آلمان، حزب بی گیری ترین مدافعان صلح جهانی در این کشور، جشن عظیم مردمی خود را به میعادگاه تمام انسان هایی بدل ساخت که پیکار علیه استقرار موشک های میانبرد هسته ای آمریکایی در خاک میهن خود و دیگر کشورهای اروپایی و طرد جنگ از زندگی خلق ها و همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای با نظام های اجتماعی گوناگون و تنش زدایی را



کنونی میهن ما جلب کردند.

رفیق هربرت میس، صدر حزب کمونیست آلمان هنگام دیدار از غرفه مشترک هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) همبستگی ژرف خود با رزم کمونیست های ایرانی را مورد تأکید دوباره قرار داد، وی گفت: تاریخ مبارزات کمونیست ها با خون نوشته شده است. کمونیست های کشورهای مختلف پس از هربوروش ارتجاع توانسته اند باز درفش پیکار خود را برافرازند. کمونیست های ایرانی نیز مطمئناً با توجه به سنت چند ده ساله مبارزاتی خود خواهند توانست زخم هایی را که در بی یورش شقاوت آمیز ارتجاع برداشته اند التیام بخشند و بیش از پیش زحمتکشان برای تحقق خواست های آنان به پیکار برخیزند.

انتشار مجدد "نامه مردم"، ارکان مرکزی حزب توده ایران، صحت گفته های رفیق میس و آغاز خیزش نوین حزب توده ها برای کشودن فصل نویینی از تاریخ پرافتخار آن است.

دعوت حزب کمونیست آلمان در این جشن عظیم و مردمی شرکت کردند و غرفه ای که آرم های روزنامه "نامه مردم" و "کار" بر فراز آن نصب شده بود، ترتیب دادند. هواداران حزب توده ایران در آلمان فدرال با بخش نشریات آلمانی که در آن اعمال بربرمشرانه سردمداران جمهوری اسلامی علیه مبارزان ایرانی، جنایات رژیم به اهداف آزادی خواهانه، استقلال طلبانه و عدالت جویانه انقلاب بزرگ مردم ایران برملا شده بود، افکار عمومی دمکراتیک در سراسر جهان را فراخواندند تا با بلند کردن صدای اعتراض خود این اقدامات مرتجعین حاکم بر میهن ما را محکوم کنند و با کوشش های متحدانه خود در چهار گوشه جهان، جان هزاران زندانی دگراندیش در ایران، ده ها هزار توده ای، فدایی، مجاهد و دیگر مبارزین دربند را از خطر نیستی رهایی بخشند.

گروه تئاتر هواداران حزب توده ایران با به راه انداختن راه بیابایی های نمایشی و اجرای

روزنامه خود را به تریبون اعتراضی علیه تجاوزگری های امپریالیسم در نیکارا گوشه انقلابی، جلب همبستگی مردم این کشور با مبارزات تمامی خلق هایی که برای استقلال و آزادی در میهن خود، علیه سلطه

توطئه "آیین نامه انضباطی"

"تشویقات" و "تنبیها" قصد داشت بند بر کارگران نهد و به بهانه "دیرکرد"، عدم تکمیل به مقررات و غیره به دستمزد ناچیز کارگران دستبرد زند، یا آنها را مرعوب کند.

مسلمتا تا هنگامی که این گونه قوانین و آیین نامه ها بدون مشارکت نمایندگان واقعی کارگران و به دست رژیم ارتجاعی تدوین می شوند، در نظر کارگران ارزشی ندارند. کارگران ایران با هشیاری و عمل متحد خود این توطئه رژیم رانیز خنثی خواهند ساخت.

اخیرا سیاه پوش، معاون وزیر کار و امور اجتماعی از توطئه جدیدی علیه کارگران خبر داد. او اعلام کرد: "وزارت کار در زمینه تهیه و تدوین آیین نامه انضباطی جدید اقدامات بسیاری انجام داده که انشاء الله در اسرع وقت این آیین نامه پس از تصویب در شورای عالی کار جهت اجرا به کارخانجات ابلاغ خواهد شد."

کارگران به خوبی ماهیت این گونه آیین نامه های انضباطی را می شناسند. رژیم وابسته شاه نیز از طریق همین آیین نامه ها و به اصطلاح

پاسخ دندان شکن مردم انقلابی اصفهان به توطئه شورای نگهبان

تضاد اوج گیرنده بین خلق و ضد خلق، بین منافع زحمتکشان و خائنین به آن در حاکمیت جمهوری اسلامی بازتاب نبرد طبقاتی رشد یابنده در میهن ما است.

توطئه شوم ساخته و پرداخته امپریالیسم و ارتجاع علیه حزب توده ایران که با نیت مفسده جویانه "ریشه کن کردن" حزب توده ایران توسط حاکمیت خائن به انقلاب به مرحله اجرا درآمد، هر روز بر ملاتر می شود. تظاهرات گسترده مردم علیه شورای نگهبان مدافع منافع سرمایه داران و بزرگ مالکان در چند روز اخیر در اصفهان جلوه ای بود که از یک سو، پرده ساتر جرم تراشی علیه توده ای ها را کنار زد و از سوی دیگر ناتوانی رژیم را در دستیابی به اهداف سه خود که جدا کردن مردم از بی گیرترین پشتیبانان منافع خود بوده آشکارتر ساخت.

از آن هنگام که در پی رهنمودهای امپریالیسم و تبعیت و تشویق ارتجاع جانبدار بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری، یورش انفارسیخته علیه حزب توده ایران آغاز شد تا به امروز مأموران دست آموز "سیا" و شکنجه گران صاحب مقام رژیم به بندهای پوسیده "بهانه ها" و "دلایل" مفسده جویانه ای توسل جستند تا جنایات موحشی که به گونه ای سیستماتیک در حق اعضا و فعالین حزب توده ایران مرتکب می شوند، پرده پوشی کنند. یکی از آن "بهانه ها" که "جرم" توده ای های اعدام شده، شکنجه شده و در فراموش خانه های رژیم زنده به گور شده است گویا "ایجاد شکاف در حاکمیت"، "به آوردن اصلکاک مصنوعی بین نیروهای مسلمان و مردم"، "ایجاد جو بی اعتمادی نسبت به مسئولین" و بی اعتبار کردن "نهادهای اسلامی" از جمله شورای نگهبان بود.

ابلهائی که چشم بر نبرد رشد یابنده طبقاتی بین زحمتکشان و غارتگران می بندند، چاره ای هم جز این نمی بینند که علت راندن این تضاد طبقاتی بلکه حزب ماکه آن را افشاء می کند، قلمداد کنند: "حزب توده، در سال های پس از پیروزی انقلاب از استراتژی اختلاف و اصلکاک در بین نیروهای مسلمان سود می جست و چنین خط مشی

حساب شده ای را مقدمه منطقی بحران تلقی می نمود. از طرف دیگر با تبلیغ و ترویج برخی مسائل (از جمله حل مسئله اصلاحات ارضی، قانون ملی کردن بازرگانی خارجی ...) و اصرار و افراط در مورد آن کاری می - کرده که اصل مسئله زیر سؤال می رفت ... در توفان تبلیغات سازمان یافته حزب توده، عده ای گمان می کردند که لابد فلان گروه دشمن اصلی انقلاب اسلامی است ... چنین شیوه ای موجب شده بود که بذریع اعتمادی در میان مردم کاشته شود و گروه های مسلمان با سلیقه های متفاوت (مثل شورای نگهبان با "سلیقه" دفاع از سرمایه داران بزرگ و کلان زمین داران) گمان کنند که دشمن یکدیگرند ... (اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت).

به زعم سردمداران جمهوری اسلامی و توجیه گران سیاست های خیانت بار و جنایت آمیز رژیم، این "گناهان" نابخشودنی، "جرم های توده ای هاست. ولی واقعیت آنست

که "توفان تبلیغات سازمان یافته حزب توده" ایران، تعیین کننده "دشمن اصلی" آرمان های انقلاب نبود، بلکه عملکردها، موضع گیری ها و "بیانات" آنان ملاک واقعی و اصلی افشاکاری های مستدل و مستند و انتقادهای سازنده و انقلابی حزب توده ایران بود و هست. همین معیارهای خدشه ناپذیر است که بین هرزه درائی های رسوا و اتهام آمیز ارتجاع و "تبلیغات" روشنگر و آگاهی بخش نیروهای انقلابی خط فاصل می کشد.

به اعتبار مخدوش همین جرم بافی های مذبحخانه است که سران ضدبشیر جمهوری اسلامی بیش از یک سال است توده ای های دریند راه به صلابه می کشند، شکنجه می کنند، در منگنه فشارهای جسمی و روحی طاقت شکن، به نفی خود و باورها و اعتقادات دیرپای خود و می دارند، فرزندان شریف و فداکار خلق را به جوخه های اعدام می سپارند و در زیر شکنجه به شهادت می رسانند.

این نکته نیاز به تصریح ندارد که حزب توده ایران، میزان داوری و سنجش خود را بر حسب دوری و نزدیکی و یا هم خوانی مواضع و اقدامات این و آن گروه - مسلمان و

غیرمسلمان - با منافع و خواست ها و نیازهای توده های زحمتکش تعیین می کند. حزب توده ایران در شهریور ۲ سال پیش، هنگامی که قانون ملی کردن تجارت خارجی مصوبه مجلس در محاق توقیف شورای نگهبان افتاد، با صراحت اعلام کرد:

"پاسخ به این پرسش که: با موضع گیری شورای نگهبان، حرکت انقلاب دچار فلج شده و این می تواند زیان های بسیار بزرگی به روند انقلاب ما وارد آورد، مثبت است" (پرسش و پاسخ - شهریور ۶۱).

و پس از آن هرجا که سد شورای نگهبان، راه را بر تصویب قوانین و لوایح مترقی بست، دامنه این افشاکاری که از بینشی طبقاتی و اصولی نشأت می گرفت، گسترده تر شد. اکنون که موج مخالفت و اعتراض علیه شورای نگهبان بالا گرفته و به ویژه در اصفهان در سراسر سه روز تظاهرات گسترده مردم علیه قدر قدرتی شورای نگهبان، - که با تمجید و پشتیبانی بالاترین مقام رهبری از آنان به تثبیت رسید - شعار "مرگ بر شورای نگهبان" به شعار اصلی تظاهرکنندگان بدل شد، ثمرات این افشاکاری که با تجربه شخصی توده ها ارزش ویژه ای به خود گرفته و عجز رژیم در جلوگیری از نشر آگاهی پخش آن به عیان دیده می شود. اینجاست که همه طرفند های رژیم برای "ریشه کن کردن" حزب توده ایران و محو اثرات افشاکاری ها و فعالیت های انقلابی آن نقش بر آب می شود و ناتوانی رژیم از پاک کردن صحنه مبارزات اجتماعی از حضور مادی و معنوی توده ای ها و اندیشه و برنامه های راهگشای آنان با شکست مواجه می گردد. با توده های میلیونی مردم دیگر نمی توان به شیوه ای چون روش سرکوبگرانه ای که در موزه هزاران توده ای اعمال شد، رفتار کرد. آنان به راه خود، به راه تأمین خواست های استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت پژوهانه خود می روند و در این راه دشوار و سراسر مبارزه با چراغ راهنمایی مجهزند که حزب توده ایران در این سال های کار و پیکار شبانه روزی پس از انقلاب به آنان سپرده، چراغی که در پرتو نور آن سیمای دوست و دشمن را به خوبی تشخیص می دهند!

"حفظ وحدت اسلامی"

"فردا ... حجت الاسلام انصاری از بیست امام ... گفتند که امام فرمودند شما یک اطلاعیه ای بدهید که مردم اصفهان متفرق بشوند و اگر با اطلاعیه هم کار انجام نمی گیرید، شما خودتان به اصفهان بروید. گفتیم ... بگویید ... اطلاعیه ای

دادم و از مردم خواستم که به مقامات کشور هیچگونه توهین نشود ... در عین حال هر طوری امام بفرمایند عمل می کنیم. ایشان (انصاری) رفتند و برگشتند و گفتند امام می فرمایند شما الان این کار را نکنید. یا اطلاعیه بدهید و اگر اطلاعیه کافی نیست خودتان اصفهان بروید. بعد (۱) بیا بیاید اینجا. من اطلاعیه دادم در موقعی که جمعیت خیلی زیادی به درب منزل من رسیده بودند ..."

کهیان ۶ خرداد ۱۳۶۳ از زبان یکی از سردمداران رژیم جمهوری اسلامی (امام جمعه اصفهان) نمایی از "وحدت اسلامی" رژیم را ارائه می دهد: "... در نماز جمعه اصفهان ... یک اطلاعیه ... خوانده شد که از گوشه و کنار شنیده می شود افرادی دانسته یا ندانسته به مقامات صالحه کشور و شورای نگهبان که تعیین شده خود امام هستند توهین می شود ... بعد همان روز جمعه به کنگره (ائمه جمعه) آمدیم ... بعد شنیدیم ... اجتماعی شده است (و مردم سؤال می کنند) ما می خواهیم بفهمیم چرا ... انتخابات مردم اصفهان باطل شده؟ ... (مردم) به گلستان شهدا رفته بودند ... و بعد به درب منزل من آمده بودند ... نماینده من رفتند صحبت کردند نتیجه ای نبخشید ..."

اوج گیری نفرت و خشم مردم ایتالیا علیه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی



"لاسیچلیا" در شماره ۹۴ "راه توده" گزارشی در باره حمله اویاشان "انجمن اسلامی" به دانشجویان ایرانی هوادار سازمان های مترقی در شهر کاتانیا-سیسیل (جنوب ایتالیا) درج گردید.

حادثه فوق در مطبوعات محلی و ایالتی این ناحیه انعکاس وسیعی یافت و محافل دمکرات سیسیل چنگلی این اعمال وحشیانه و عاملین آن را محکوم کردند. از آنجا که چنین اعمال مدتی است در شهرهای اروپا با هدف "ارباب" ایرانیان مترقی ضد رژیم انجام می گیرد، جهت آگاه نمودن اذهان عمومی هواداران آزادی و دمکراسی ایران، دعوت آنان به اتحاد عمل در برابر این اقدامات سبانه و فاشیستی، مجموعه ای از اخبار مندرجه در نشریات ایتالیارادر این باره به چاپ می رسانیم.

به گروه های دیگر دانسته و در به اصطلاح بیانیه خود که در روزنامه به چاپ رسیده، بازم به فحاشی علیه دانشجویان مترقی و کمونیست های ایتالیا پرداخته اند، زیرا که به صدور اعلامیه از محکوم کردن این جنایت و افشای عاملین آن دست زده اند.

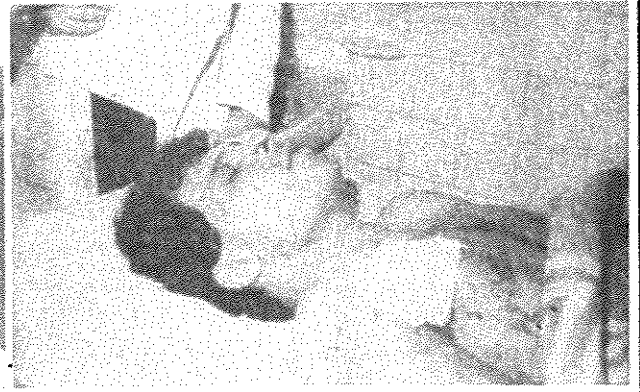
فردی و آزادی خلق های دربند سراسر جهان".

جالب توجه است که دانشجویان به اصطلاح مسلمان کاتانیا در این رابطه نامه ای به دفتر روزنامه ارسال داشته و در آن کلیه اتهامات وارده را رد کرده اند. این جانبیان مسلمان نام، همان گونه که در شان

۲- تحقیق و بررسی در مورد ماهیت گروه های مشکوک ایرانیانی که به قصد پیگرد و آزار دانشجویان ایرانی مترقی به ایتالیا می آیند، از طرف وزارت داخله و خارجه ایتالیا،

۳- طرح مسئله نگرانی دانشجویان دانشگاه کاتانیا از احتمال ارتکاب چنین اعمالی در آینده در پارلمان

● روزنامه لاسیچلیا در تاریخ ۱۶ ماه مه (۲۶ اردیبهشت) - یک روز پس از وقوع حادثه، ضمن درج کامل خبر حمله چاقو کشان طرفدار رژیم جمهوری اسلامی به عده ای از دانشجویان ایرانی و ضرب و جرح



یکی از ایرانیان مترقی که بر اثر حمله اویاشان رژیم ج ۱۰ مجروح و به بیمارستان انتقال یافت. ● چند تن از مزدوران جنایتکار رژیم که پس از بازداشت آزاد گردیدند

● بخش اعظمی از مطالب صفحات اول و دوم نشریه "پیک سیسیل" در تاریخ ۱۶ ماه مه (۲۶ اردیبهشت) به اخبار مربوط به عمل فاشیستی قداره پندان مزدور رژیم جمهوری اسلامی در کاتانیا و چاپ عکس آنان و نیز عکس های مجروحین حادثه که در بیمارستان بستری هستند، اختصاص دارد. در سرمقاله این

کلیه جنایتکاران فاشیست است، نه تنها با کمال وقاحت و بی شرمی و در ملاء عام به دانشجویان مترقی ایرانی حمله برده و آنان را به قصد کشتن مضروب ساخته اند، بلکه با وجود شناسایی مرتکبین جنایت از طرف مردم، در هنگام ارتکاب جرم و تحویل آنان به پلیس و مشهود بودن همه عوامل ارتکاب جرم، حال با وقاحت بیشتری حتی جنایتکاران را منسوب

ایتالیا،

۴- اتحاد عمل دانشجویان خارجی و ایتالیایی کاتانیا برای جلوگیری از وقوع چنین اعمالی،

۵- هوشیاری و عمل آگاهانه کلیه نیروهای هوادار دمکراسی در برابر این جنایات و تلاش در جهت خنثی کردن نقشه های پلید مسببین آن،

۶- تدارک همگانی برای برقراری روزی به عنوان "روز دفاع از حقوق

آنان، به خشم مردم که ناظر جریان بوده و هم آنان پلیس را از وقوع حادثه مطلع ساخته اند، اشاره کرد و در پایان اسامی عده ای از اویاشان مهاجم و نیز دانشجویان مجروح را که در بیمارستان های مختلف کاتانیا بستری شدند، چاپ کرده است. در میان مجروحین، حال دو تن وخیم بوده است که یکی از ناحیه سینه آسیب دیده و دست دیگری شکسته است.

فریدون تنکابی

نامه سرگشاده به رفیق شهید شاهرخ جهانگیری

احساس توده‌ای بودن، احساس غرور و خوشبختی!

توده ای می افتدمی گوید: این هم که از قوم و خویش های خودمان است! بله، ما یک خانواده ایم، یک فامیلییم. به بزرگی دنیا، این خانواده میلیون ها عضو دارد! هزاران عمو و خاله و پسرعمو و دختر خاله دارد!

رفیق شاهرخ! آینده از آن ماست! تو در این امر هیچ شکی نداشتی و من نیز هیچ شکی ندارم! حتی دشمنان ما هم شکی ندارند. و ددمنشی و درنده خویشی شان از همین است؛ از احساس ضعف و بیچارگی.

رفیق شاهرخ! حتی در آن زمان هم که تو را زجر و آزار می دادند، باز می دانستی احساس توده ای بودن، احساس کمونیت بودن، احساس خوشی است. به خاطر می آوردی که ناظم حکمت را هم در ترکیه و پابلو نرودا را هم در شیلی بسیار زجر و عذاب دادند. و لاهوتی ما را، فرخی یزدی ما را، طبری ما را، به آذین ما را، و بسیاری عزیزان دیگر را.... رفیق شاهرخ! ما عاشق خورشیدیم، و ابرها حقیرتر از آنند که سائر عشق ما شوند.

رفیق شاهرخ! ما از آن قبیله عاشقانیم که قرن ها پیش با حافظ خوانده ایم: در بیابان، گریه شوق کعبه خواهی زد قدم، / سرزنش ما گر کند خار مفیضان غم مخور. یا:

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق / چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست!

رفیق شاهرخ! به یاد می آورم یک بار در زندان به این شعر مولوی بر خوردم:

خُنگ آن قماربازی که بباخت هر چه بودش / بنماند هیچش، الأ هوس قمار دیگر!

و به نظرم رسید این شاعر بزرگ آن را برای ما توده ای ها گفته است. (تکنند مولوی هم توده ای بوده؟ بله،

حتما بوده، یک دلیلش این که متعصبین و قشریون دیوانش را با انبیر می گرفتند و دور می انداختند که دست شان نجس نشود!)

رفیق شاهرخ! می گویند ما

توست، تا کوبا که در اقصی نقاط غرب سرزمینات تا اروپا، تا آلمان (آلمان امپریالیست را نمی گویم که هم با شاه زدوبند اقتصادی خوبی داشت و هم با جمهوری اسلامی همان زدوبند را - و از آن بهتر را هم دارد) آلمان نیروهای مترقی را می گویم، همان ها که اجازه نمی دهند موشک های آمریکایی در خاک شان مستقر شود، همان ها که اجازه نمی دهند عمو سام با خون شان سودا

ایرانی شهیدش کردند. و حالا به این نام های گرامی خاطره انگیز، بهرام و فرزاد و شاهرخ هم افزوده شده است.

رفیق شاهرخ! احساس توده ای بودن، احساس خوبی است، احساس غرور انگیزی است. احساس می کنی که به یک خانواده بزرگ تعلق داری، هر جا می روی، برادرها و خواهرهای مستند، (وای که کلمات هم مانند انسان ها سرنوشت خاص خود را

... ساعت ماست که - پس از خواندن وصیت نامه رفیق شهید شاهرخ جهانگیری می گویم. من این نوشته را با اشک نوشته ام. و چه حقیر است اشک در برابر خون شهید!

یک بار در جایی گفتم که ما نویسندگان - در مبارزه - جوهر قلم همان را گذاشتیم و مبارزان خون خویش را، و من شخصا احساس شرمساری می کنم.

از پس این شرمساری جز این بر نمی توان آمد که آن جوهر حقیر را با این خون عزیز بیوند دهیم. اگر جز این کنیم، وای بر ما!

وصیتنامه رفیق شهید شاهرخ جهانگیری

پروین عزیزم. درود بی پایان بر تو باد. می دانی که چقدر دوستت دارم. آخرین عشقم، اولین تقاضایی که از تو دارم اینست که مدتی بعد از مرگم ازدواج کنی. تو خوشبخت خواهی شد و خوشبختی از آن تو و فرزندانست است. عزیزم، مرا ببخش که نتوانستم آنقدر که دلم می خواست به تو توجه کنم. می دانی که کار سختی داشتم و آن تلاش در راه رهایی زحمتکشان بوده است. و تا آخر به این راه وفادار بودم و هستم. من اکنون با نه نفر دیگر شاد و خندان و آواز خوان به طرف شهادت در راه آزادی می رویم، تو بدان که من خوشبخت هستم.

از نبودن من ناراحت نباش، به کوری چشم دشمنان، شاد و خوشحال باش... بعد از مرگ من به فرزندان بگوراه مرا پیش گیرند. راه خوشبختی انسان ها....

روزبه عزیزم، خیلی دوستت دارم. تو و کیوان را به اندازه نصف مامان دوست دارم. حال خودت حدس بزن که چقدر به تو علاقمند هستم....

عزیزم با تمام وجود برای مردم کار کن. زیرا از این راهست که انسان ارزش پیدا می کند... کیوان عزیزم بسر بازیگوش خوشگلم؛ فرصت نشد زیاد با هم باشیم مرا ببخش، من در راه آرمانی و الا کار کردم و به شهادت می رسم. راه مرا پیش گیر.

دارند، بدبختی و خوشبختی دارند. در گذشته واژه زیبایی "رستاخیز" را مسخ کردند و به ابتدال کشیدند، و اینک خواهر و برادر را! پس بکنار بگویم: هر جا که می روی "رفقاییت" هستند. همه جا هستند. "عمو" ها و "خاله" ها همه جا هستند و در کار و فعالیت اند.

اما فقط همین نیست. فقط همین نیست که به یک خانواده بزرگ ایرانی تعلق داری، تو به یک خانواده بزرگ تر جهانی تعلق داری، از مسایه شمالی ات شوروی، تا ویتنام که در اقصی نقاط شرق میهن

رفیق! مرا دریاب! در حال انفجار! ام اکنون وصیت نامه ات را در روزنامه خواندم. بی اختیار اشک از چشمه چشمانم جوشید! دلم می خواست فریاد بزنم، اما نمی توانستم. اینجا که من هستم، در این گوشه دور افتاده آوارگی، چند ایرانی با منند؛ بچه های خوبی هستند، اما از رفقای ما نیستند. دلم می خواست رفیقیتی بود و سر بر شاه اش می گذاشتم و به فراغ دل می ریستم، اما نبود. و من دستمال کاغذی را بر دهان فشردم و حق هق هایم را در گلو فرو خوردم! چه دردی!

رفیق جهانگیری! اسم پسر تو کیوان است؟ اسم پسر من هم کیوان است. چه تصادف خوبی! کیوان ها و روزبه ها و سیامک ها می بالند و رشد می کنند و جوان می شوند. و مردم می شوند. و سرباز می شوند. مبارز می شوند. در راهی که من و تو رفته ایم، کام می زنند.

رفیق جهانگیری! مرا که می شناسی؟ من همیشه شوخی می کنم. یک بار می گفتم در سال های بعد، معلم که دفتر کلاس را باز می کند، نام ها را همه کاوه و روزبه و کیوان و انوشه و سیامک و... می یابد! فکرش را بکن، یک کلاس، یک مدرسه، یک دانشگاه، همه کاوه و روزبه و کیوان و انوشه و سیامک! و مدرسه دخترانه: زویا و کیتا! زویا که فاشیست های آلمانی کشتندش و کیتا (نام دختر من پیتاست، اما هم سن و سال کیتاست) که فاشیست های

نامه سرگساده به رفیق شهید شاهرخ جهانگیری

بقیه از صفحه ۶

پروین‌ها یاد.

بله، پروین در جست و جوی خوشبختی است، اما نه تنها برای خود، برای همه، برای همه زنان و مردان و کودکان ایرانی... خوشبختی، خوشبختی واقعی، آن گاه که دیگر مردان از خانواده شان ریزده نشوند، زنان بی شوهر و کودکان بی پدر نگردند.

رفیق شاهرخ! به قول معروف، کار دنیا برعکس است، خائنین ما را خائن، بی وطنان ما را بی وطن، و جاسوسان ما را جاسوس می نامند! اما آن کس که دآوری نهایی با اوست، یعنی مردم ما، یعنی خلق ما، سرانجام دآوری خود را خواهد کرد و دوست و دشمن را خواهد شناخت.

همان گونه که روزبه را قهرمان می شناسد، سیامک و کیوان و انوشه را قهرمان می شناسد، خسروها و رضایی‌ها را قهرمان می شناسد، تو را و افضلی را و عطاریان و خاضعی و جهاد و رفقای دیگر را نیز قهرمان می شناسد.

در این هیچ شکی نیست.

رفیق شاهرخ! تلاش در راه رهایی زحمتکشان "خوشبختی است." شاد و خندان و آواز خوان به سری شهادت رفتن - در راه آزادی - هم خوشبختی است. بله، ما خوشبختیم، چه باشیم و چه نباشیم. "پروین عزیز! از نبودن من ناراحت نباش!"

وای، شاهرخ! چه می گوئی، مگر می شود از نبودن خورشید ناراحت نبود؟ مگر می شود نور را با تیرگی سودا کرد؟

"روزبه عزیزم! خیلی دوستت دارم... کیوان عزیزم... راه مرا پیش گیر..."

رفیق شاهرخ! خوشحالم، مغرورم، توده ای ام، احساس توده ای بودن، احساس غرور و خوشبختی سراسر وجودم را فرا گرفته است.

اما بر این چشمه جوشان اشک چگونه راه بندم؟ اما با این دستمال کاغذی کوچک، چگونه این حق عظیم را خفه کنم؟

رفیق شاهرخ! پیشانی بلند و چشمان فروزانت را می بوسم!

(۶۳/۲/۷)

صلح، خواست مبرم زحمتکشان ایران است

بقیه از صفحه ۱

جبهه‌ها، حملات دمدنشانه به مردم بی گناه در شهرهای بی دفاع میهن ما بوده است. نزدیک به هزار تن از هم میهنان ما طی این حملات کشته و زخمی شدند. جمهوری اسلامی طی "مقابل به مثل" شهرهای بی دفاع عراق را بمباران کرده است. رئیس جمهوری اسلامی افتخار می کند که حملات ایران تلفاتی معادل ده برابر تلفات حملات عراق به بار آورده است!

این کشتارها تنها پیش درآمد کشتار عظیمی است که سران جمهوری اسلامی با کسب نیروهای تازه به جبهه‌ها آن را تدارک می بینند. تجربه عملیات زنجیره ای دو سال اخیر نشان داده است که آنچه سران جمهوری اسلامی "راه میان برنجات" می نامند، قتلگاه تازه ای برای زحمتکشان میهن ما است. با این تفاوت که اینک سران جمهوری اسلامی تحت فشار اقتصادی ناشی از کاهش شدید صادرات نفت، خود را ناگزیر می بینند که بیشترین نیروهای انسانی را با حداقل تجهیزات و تدارکات به مقابل با ارتش عراق بفرستند، تا گویا هرچه زودتر سرنوشت جنگ را در میدان نبرد تعیین کنند. قمار محکوم به باخت با هستی انسان‌ها این بار ایجاب فاجعه بارتتری به خود گرفته است.

بر خلاف اقدامات و نظرات سران جمهوری اسلامی، مردم ایران راه نجات و تداوم انقلاب را در برقراری صلح عادلانه جستجو می کنند:

"مردم ایران خواهان صلح اند و برآنند که حل نظامی اختلافات بین دو کشور همسایه امکان پذیر نیست. ترک مخاصمه و دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار به نفع خلق های هر دو کشور، به نفع صلح جهانی و به زیان امپریالیسم است و هرچه زودتر باید عملی گردد، صلح خواست عاجل توده های میلیونی زحمتکشان است و باید برقرار شود."

(کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۴ خرداد ۶۳)

سران جمهوری اسلامی علی رغم لفاظی های فراوان، در عمل در برابر تشدید فشارهای نظامی و اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع ناگزیر از تسلیم و تمکین شده اند. به این ترتیب موضع گیری های غیرمسئولانه و چه بسا وظیفه مند حاکمیت خائن جمهوری اسلامی در باره "ناامن کردن خلیج فارس" که به تصاعد جنگ در خلیج فارس انجامید، مانند موضع گیری های قبلی در باره بستن تنگه هرمز، در عمل به دستاویز مناسبی برای بهره برداری امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در راستای تأمین منافع استراتژیک خویش و تشدید تهدید و فشار نسبت به خلق های منطقه و مردم زحمتکش ما تبدیل شده است.

انزوی بیش از پیش جمهوری اسلامی در محافل جهانی یکی دیگر از پیامدهای موضع گیری های اخیر سران جمهوری اسلامی است. شورای امنیت سازمان ملل متحد، مفتی گذشته طی قطعنامه ای، با ذکر نام جمهوری اسلامی در مقدمه، خواهان احترام به امنیت آب راه های بین المللی شده است. این قطعنامه به اتفاق آراء - صرف نظر از دو کشور نیکارا کوئه و زیمبابوه که در رأی گیری شرکت نکرده اند - به تصویب رسیده است.

سران جمهوری اسلامی در رویارویی با این نتایج اسفبار تصاعد جنگ در خلیج فارس، یک بار دیگر به این نتیجه گیری رسیده اند که باید با حمله ای گسترده به عراق کار جنگ را یکسره کرد! آنان یک بار دیگر عزم کرده اند که آتش جنگ را با تشدید و تصاعد آن خاموش کنند:

"راه صحیح میان برنجات هم اینست که دست دراز کنیم، این طاغوت عراق را... مخصوصاً صدام را شرش را از منطقه کم کنیم" (هاشمی رفسنجانی - کیهان - ۱۲ خرداد ۶۳).

نخستین واکنش عراق در برابر تجمع تهدیدآمیز نیروهای ایران در

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

درباره معنویت نبرد ایتارگر

"در آستان اطلسین سحرگاه، من مسافر شب پیمای، چون تندبسی فرسدم، ایستادم، خم شدم، نشستم، خفتم، جان دادم، خاک شدم، بادم افشاند و به دست چرخش جاوید سپرد تا به لبخند پیروزی انسانی توینگرم. ای دبیره من!"

احسان طبری - بند نهم از "با پیچیده پاییز"

مطلبی که می خوانید، گفتاری است از رفیق طبری که به درخواست جمعی از هنرمندان در اواسط سال ۶۰ بیان وبه روی نوار ضبط گردید. از آنجا که تکثیر این نوار - در آن زمان - با اشکلات متعددی روبرو شد و نیز غنای بحث، نشر هر چه گسترده تر آن را می طلبید، "راه ترده" بخش آغازین این گفتار را به چاپ می رساند.



آگاهی انسان نسبت به خود و جایگاه خود، در زمان و مکان، چند واکنش مختلف در او ایجاد می کند که ما در ابتدا به دو واکنش عمده و به اصطلاح کلاسیک آن توجه می کنیم. یک واکنش این است که باید برای سرنوشت انسان چاره ای اندیشید. زیرا اکثریت بشریت در تیره روزی به سر می برد و رنج می کشد. باید کلید خوشبختی را یافت و به ویژه، مولدان محصولات مادی و معنوی را که صاحبان واقعی ثروت جامعه، آفرینندگان واقعی تمدن بشری هستند، طی یک نبرد پرايقار، از جنگ حرمان و تحقیر نجات داد. اما واکنش دوم این بود که همه کوشش های انسانی بی فایده است. زیرا اصولاً زندگی بشری کل پیچه ای در جنبش ابدی سواة است که از یک عدم برآمده به سوی عدم دیگری می رود و میوه در خوردی در این میانه نخواهد داد. زندگی در شکل انسانی و اجتماعی اش، به اوج دردناک بودن، به اوج تراژیک بودن خود رسیده است؛ زیرا شعور، پیش بینی که جانوران از آن بی نصیب اند، در زندگی انسانی پای در میان گذارده، لذا خوشبختی یک مفهوم ذاتا ناسازگار با یک چنین زندگی است. و به همین جهت نباید آن را جستجو کرد، زیرا کاریست بی ثمر و ابلهانه.

"سورن کیرکه گارد"، فیلسوف دانمارکی که از سال ۱۸۱۲ تا ۱۸۵۵ میلادی می زیسته، توصیه می کند که چون وضع چنین است، پس تنها راه نجات پناه بردن به ابدیت محراب و کلیسا و نیایش است. ولی "فرانتس کافکا" نویسنده یهودی آلمانی زبان چک که از ۱۸۸۲ تا ۱۹۲۴ می زیسته، ابداً توصیه ای نمی کند، زیرا با آنکه مطلب مطروحه از سوی او درست همان مطالبی است که "کیرکه گارد" مطرح کرده است، ولی به نظر نمی رسد که او به نسخه رهایی بخشی

باور داشته است.

نویسنده ایرانی، "صادق هدایت" تحت تأثیر این دو تن نویسنده و فیلسوف بود، زیرا خود او این طور فکر می کرد. وی از جمله در نوبل معروف خود "س. ک. ل. ل. یعنی" معروف به نام ساختگی - به آلمانی یعنی "سرم علیه شور یا عاطفه عشق"، چاره را در به اصطلاح "Enthanasie" یا خودکشی بدون درد می یابد. خود او در پاریس

جهت منطقی، از جهت انسانی و اخلاقی، تنها همان واکنش حماسی آرمان پرستانه انقلابی است که درست است.

البته غیر از این دو واکنش متداول واکنش های دیگری نیز هست. مانند: پناه بردن به تخدیر خود و خوشی ها و لذت های زیستن جانورانه، برای گریز از ادراک رنج و یوچی زندگی توصیه می کنند که در این زمینه نباید وسواس اخلاقی به خود راه داد. تنها باید زیرک بود. زیرا

زمانی من جادوگر گمراه ساز به میان خیلی بی خیال افتادم و بر آنها طنزبور افسانه های محال نواختم. گفتیم که شهر آرزو در پس این پیچ است و من شاید سیاد نبردم و ای شکفتا شهر آرزو در پس پیچ بود!

بند هفتم - با پیچیده پاییز

غنیمت های خوب در جهان محدود است و خواستاران و رقیبان زیادی دارد و باید طوری عمل کرد که غنیمت بیشتری را با زیان و تلاش کمتری به دست آورد. به قول شاعر کلاسیک ایرانی:

این جهان پر مثال مرداریست / کرکسان گرد آن هزار هزار / این مرآن راهی زند نخلب / وان مر این راهی زند منقار / آخر الامر جمله نیست شوند / از همه بازماند این مردار.

اگر بخواهیم گفته شده ها را خلاصه کنیم در واقع چهار واکنش از لحاظ کیفی متفاوت در قبال مسئله خوشبختی انسانی و شیوه زندگی وجود دارد:

اول: بهره جویی رذیله از لذات مادی عمر به هر بهانه ای که باشد.

دوم: پناه بردن به ابدیت کلیسا و عبادت، آن طور که "سورن کیرکه گارد" سفارش می کند.

موافق همین نسخه عمل کرده است تا به زندگی پوچ و بیهوده انسانی نقطه ختام بگذارد.

در ایام معاشرت خود با هدایت ما بارها شیفتگی او را به نظریات "کیرکه گارد" و "کافکا" از دهان خود او شنیده بودیم. به علاوه "هدایت" چند اثر "کافکا" را به فارسی ترجمه کرده است. بنابه توصیه "هدایت"، "حسن قائمیان" کتاب "گروه محکومین"، "فرانتس کافکا" را به فارسی ترجمه کرده و هدایت، بر این کتاب، مقدمه مفصلی نوشت. در این مقدمه، بی باوری هدایت به امکان رهایی روحی انسان از شرها و رذالت های زندگی و همچنین سرخوردگی او از جنبش انقلابی به عیان دیده می شود.

واکنش دوم، شاید به نظر روبراه تر و واقعی تر از واکنش حماسی و آرمان پرستانه و آرزومندان اولی بباید، ولی خوشبختانه از جهت تاریخی، از

سوم: خودکشی و رها کردن خود از زندگی زمینی پوچ، آن طوری که زمانی "هدایت" توصیه می کرده است.

چهارم: نبرد پرايقار برای بهتر کردن سرنوشت انسانی، با روح نوع دوستی، راهی که ما و انقلابیون دیگر ایران و جهان در پیش گرفته اند و توصیه می کنند.

باید گفت که مثلاً "کافکا" ناچیزی انسان را در قبال ماشین غول آسای بوروکراتیک، بورژوازی به درستی ارزیابی می کند و همین داوری را "هدایت" نیز در آثار خود غالباً می آورد. مثلاً در یک قصه نمادی کوچک، چنین می گوید - این قصه نمادی "قانون" نام دارد و "صادق هدایت" آن را به فارسی ترجمه کرده است: "کافکا" در این قصه دهقان

شاکی را نشان می دهد که تمام عمر دم در عمارت با شکوه "قانون" چمباتمه می زند و پلیس با همه رشوه هایی که به تدریج از او می گیرد، عملاً به او اجازه نمی دهد پای در عمارت قانون بگذارد. چون زرنگان جامعه مرکز نمی خواهند به این عمارت پرهیبت بی معجزه بی خاصیت پای بگذارند، لذا دهاتی نمی بیند که کسی به غیر از خود او که نماینده زحمتکشان ساده دل جامعه است، خواسته باشد وارد این عمارت بشود. سرانجام دهاتی همان جایی خشکده می یوسد و عمر را در حسرت و ورود به کاخ قانون به پایان می رساند. البته اشتباه "کافکا" در آن نبود که واقعیت را نمی دید، خوب می دید، بلکه در آن بود که او واقعیت جامعه برده داری سرمایه داری را یک واقعیت ابدی و تغییرناپذیر می دانست. دوران خود را که دوران تسلط بورژوازی بود جاوید می کرد. آن را مشکل عام زندگی انسانی برای همیشه می شمرد.

فرانتس کافکا،

انه انسان در راه خوشبختی

"هیتلر" با تئوری آدم خوارانه نژادگرایی به میدان آمد. اردوگاه‌های زندانیان ازره‌کن که این نظام جنگ طلب ملت سرور را "Herrvolk" آن را نمی‌پسندید لبالب شد و سرانجام فاجعه با پنجاه میلیون تلفات انسانی خاتمه یافت.

شما اکنون دویست سال دیگر را برپایه جهان امروزین در نظر بگیرید! یعنی سال ۲۱۸۲، در سده بیست و دوم را آذر ای تردید نیست که بشریت نه تا آن موقع بلکه بسیار زودتر از آن موقع، مسائل عمده خود، یعنی: جنگ و صلح، فقر و ثروت، وحدت جامعه انسانی و مسائل دیگر را حل خواهد کرد. ممکن است مثلا

فرانتس کافکا بگوید، آری درست است، اشیاء دگرگون می‌شوند، اشیاء پیش می‌روند، ولی روحیات همانند، اخلاق درجا می‌زند. محتوی زندگی کماکان بچ می‌ماند. این سخن درستی نیست. محتوی زندگی فردی تا زمانی بچ به نظر می‌رسد که افراد و جوامع انسانی، جدا از هم در رنج و غارتگری، بدون کمترین تضمین مادی و معنوی، بدون کمترین امید به آینده به سر می‌برند. ولی وقتی انسان به عضو تام الحقوق خانواده عظیم بشری که دامنه قدرتش حتی به آن سوی کره زمین ما کشیده خواهد شد، مبدل گردد؛ وقتی انسان مجهز به عالی‌ترین وسایل زیست، بهداشت، معرفت، آفرینش و پیشرفت است، آنگاه از بوجی زندگی فردی سخن گفتن، خود سخن بوجی است. آن انسان دیگر "فرانتس"، "یهودی کوچک و ناتوان و بیمارگونه نیست که در مقابل وزارت به اصطلاح دادگستری امپراطور "فرانتس ژوزف" پادشاه مستبد اتریش، کز می‌کرده است و مارش و قدم زدن پلیس‌های سبیل دراز را می‌دید و به خود می‌لرزیده، آن انسان از نژاد "فرانتس" است، ولی یک "فرانتس" به کلی دیگری است، نه "فرانتس کافکا" است و نه "فرانتس ژوزف".

ما به این معنویت معتقدیم و در راه این حقیقت به سوی ایثار کام می‌بریم، اگر چه کسانی به ما افترا می‌بندند که گویا جز ماده و جز خودخواهی از چیز دیگری سردر نمی‌آوریم. اگر واقعا کسانی چنین می‌پندارند، باید گفت زهی گمراهی. آرائی و روزبه‌ها، به دنبال خودخواهی حسابگرانه نرفتند.

"آنها که احسان طبری را می‌شناسند، نوشته‌هایش را خوانده‌اند و با منطقتش آشناينده می‌دانند که او نمی‌تواند مبلغ و مدافع تزهایی باشد که امروز سرمداران جمهوری اسلامی به او نسبت می‌هند".

از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۲۵ اردیبهشت ۶۲

ما هنوز خاتمه نیافته بود. استعمار با تمام جنایات و غارتگری‌هایش تازه آغاز می‌گردید. سرمایه‌داری با تمام تبه‌کاری‌هایش تازه پرمی‌گشود. آمریکا تازه اعلامیه استقلال خود را صادر کرده بود. تازه ماشین بخار "جیمز وات" به میدان آمده بود. گلوله "شراتول" برای توپ ساخته بودند و کشتی بخاری به راه افتاده بود. آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و استرالیا در ظلمات بردگی و عقب‌ماندگی تاریک و تمدن‌سنتی

بدان منکر که سرد و زرد در تابوتم. من سراپای قبیله ام. من سراپای کاروانم و رسن یر ندینم از میخ ازل تا میخ ابد. جهان، توده گاه و من در آن اخگریم. بشکیب تا خورشیدها را فرو بلم و بیوایی زیستن را در فضاهاى مرده پیراکنم. بند هشتم - با بچه‌ها پاییز

جامد و عقب مانده ای به سر می‌بردند. منظره پس از دویست سال به کلی دگرگون گشته است: در زمینه علم و فن، در زمینه نبرد برای عدالت اجتماعی، در زمینه شکل، در زمینه آسان شدن کار، هم در کارخانه، هم در اداره، هم در خانه، هم در مزرعه، در زمینه بالا رفتن سطح معرفت عمومی، در واقع فوران عظیمی دیده می‌شود که اصلا قابل مقایسه با دو سده پیش نیست. حرکت تاریخ از یک سوشتابکرواز سوی دیگر جاده آن پسر از تضاریس و سیر آن کند و حوصله سوز است. لحظات رکود و سیر قهقراپی وحشت‌آوری نیز در تاریخ وجود دارد.

در آلمان، یعنی در همان کشوری که نخستین تراموای برقی آن در سال ۱۸۸۱ قریب صدسال پیش به راه افتاد و در آن موقع از پیش تازان تکنیک امروزی در جهان بود، ناگهان قریب ۵۰ سال بعد از آن، حکومت

داستان کوچک "زیربوته" و غیره را در این دوران امیدواری خودنکاشته است. ولی پس از شکست نهضت، به شدت مأیوس شد. و به این نتیجه رسید که حق با او بوده است و بت بزرگ قرن بیستم را بیهوده بزرگ می‌کنند و داستان همان داستان همیشگی است. لذا به پاریس رفت و به زندگی پر بار خود، متأسفانه، خاتمه داد. مطلب اینجاست که خداوند تکامل صبور و کند پوست و در هر گام کوچک او نسل‌های بسیاری

فرمولابیده می‌شوند. ولی آدمی عجول است و این شتاب‌کاری او ثمره آن است که جاویدان نیست تا چشم به هم زنی پیر شده و یا پیر نشده باید صحنه را ترک گوید. اگر آدمی می‌توانست تا دیری عمر تضمین شده داشته باشد، بین عهد کودکی و دوران پیری خود، آنچنان تحولاتی می‌دید که خود او را حیران می‌ساخت. مثلا اکنون سال مسیحی ۱۹۸۲ است، بیستمین در سال ۱۷۸۲ یعنی ۲۰۰ سال پیش، جهان از لحاظ نیروهای تولیدی، وسایل زندگی، نظام اجتماعی، درجه عدالت، سطح معرفت، میزان آزادی رهایی افراد در کجا بود.

در سال ۱۷۸۲ هنوز لویی شانزدهم با انقلاب بورژوازی ۱۷۸۹ فرانسه روبرو نشده بود. سراسر اروپا که بخش به کلی پیش افتاده جهان آن روز محسوب می‌شد، زیر سلطه سلطنت‌های استبدادی اشرافی رنج می‌برد. کشف جغرافیایی کره زمین

تخمین اشتباه در نزد نویسنده ما "صادق هدایت" نیز وجود داشت. او واقعیت زشتی را که در دوران سلسله پهلوی در اطراف خود می‌دید، جاوید و تغییرناپذیر می‌شمرد. ولی آنهایی که گفته‌اند شکل رنج‌دیدگان و محرومان جامعه و نبرد طولانی و ایثارگرانه آنها می‌تواند به تدریج بشریتی متحد، رها از ستم و غارتگری و جنگ و ستیز و تفرقه و خصومت ایجاد کند، به شهادت تاریخ، حق داشتند و حق دارند. منتهی کسی که وجود خود و نسل خود را مطلق می‌کند و به یک دید بدبینانه می‌رسد، و یا از خودخواهی و رذالت بورژوازی انباشته است و می‌خواهد خوشبختی را تنها برای خود و هر چه زودتر به آورد، وقت ندارد و نمی‌خواهد که در مقیاس قرن‌ها بیاندیشد. در مقیاس جامعه بیاندیشد. کسی که امنیت و راحت خود و خانواده خود را بر هر ارزش دیگری در جهان ترجیح می‌دهد، حاضر نیست که خطرات یک نبرد انسان‌دوستانه را به سود هم‌نوع بپذیرد. لذا در این زمینه به خصوص، داوطلبان در آغاز مبارزه زیاد نیستند. تنها در جریان نبرد تاریخی و با دیدن پیشرفت‌ها و ثمرات محسوس آن، به تدریج داوطلبان و سربازان این مبارزه زیادتر و زیادتر می‌شوند.

از همان آغاز زندگی، حرکت ما انقلابیون در جاده چهارم، یعنی در جاده رزم به سود جامعه بود. ما بین سخن‌گویان حزب ما و "هدایت" بحث‌های زیادی می‌شد. "صادق هدایت" در دورانی تحت تأثیر منطق انسانی و زنده حزب ما قرار گرفت و برخی از آثارش را مانند داستان "آب و زندگی" داستان "فردا" کتاب داستان بزرگ "حاج آقا"

به مناسبت برگزاری "هفته کشاورزان":

هفته بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران

می‌خواهند؟ جمهوری اسلامی تمام امکانات را برای آنها به وجود آورده است تا برای "اسلام" کار کنند، عبادت کنند، تکلیف "شرعی" خود را انجام دهند و تا جان در بدن دارند و تا واپسین نفس به این کار "مقدس" و "عبادی" ادامه دهند. غبار ضریح حضرت رضا و نبات متبرک را هم که گرفته‌اند، واقعا دیگر چه

می‌خواهند؟! با همه این نعمات و تبرکات و امتیازات استثنایی که به این مردم اعطا شده است دیگر چه جای سخن از انقلاب و هدف‌های انقلاب است؟ چه بی‌انصافی است که انسان همه این "معجزات انقلاب" را ببیند و نفهمد و باز هم از اسارت و بردگی در چنگال بی‌رحم بزرگ زمین‌داران و کلان سرمایه‌داران شکوه کند؛ باز هم در طلب آب و زمین و وسایل کشاورزی و آزادی و رفاه، به آب و آتش بزند و دنیا را در چشم "تولیدکنندگان" که "ارزش آنها باید در جامعه مطرح

کرد" تیره و تار سازد. و اما دو کله با "تولیدکنندگان" - زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ - آنها هم نباید تسلیم هیاهو شوند و تزلزل در موفقیت خود احساس کنند و آزاده خاطر شوند و خدای ناخواسته در امر "سرکشی" به "املاک خود" مردد باشند. مگر نه این است که "بعضی ائمه ما خودشان رفتند سراغ این که سرکشی به کشاورزی بکنند و گاهی هم شاید عمل...؟"

آری، حضرات طرفدار "مستضعفین" و دشمنان "مستکبرین" با این ترفندهای مبتذل و سخیف تلاش می‌کنند تا مگر "دست‌های پینه‌بسته" فراموش شود و جنایات و غارتگری‌های آنها بی‌کسری که "یک عمر کشاورزان را غارت کرده‌اند" و باید به "پای میز محاکمه" کشیده می‌شدند، در پس پرده‌ای از کرد و خاک "اسلامی" محو شود. باشد که مسئله زمین از دیدگاه دهقانان زحمتکش و "امت شهیدپرور" یکسره زوده شود.

از سوی دیگر، ارتجاع فرتوت و آژمند در لباس "اسلام" و "مذهب"

بقیه در صفحه ۱۱

می‌باشد" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۲/۱۶).

- صدای ایران، به همین مناسبت: "کشاورزی شغل پیامبران است. امامان به کشاورزی اهمیت بسیاری می‌دادند. کشاورزی در اسلام اهمیت زیاد دارد. حضرات علی‌علیه‌السلام برای حاصلخیزی زمین فدک تلاش بسیار می‌کرد. در اسلام کشاورزی

- نخست وزیر خطاب به

"کشاورزان نمونه":

"بر اساس آنچه اسلام و قرآن از ما می‌خواهد باید قشر کشاورز رشد کند و کشاورزی به عنوان یک کار مقدس و عبادی شمرده شود" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۲/۲۰).

- وزیر کشاورزی در پیامی به مناسبت "هفته کشاورزان":



اصل اساسی است." و برای تلطیف صحنه‌های این نمایشنامه است که در پایان یک جلسه معارفه با فلان حجت‌الاسلام "به هریک از کشاورزان، صیادان و دام‌داران نمونه یک جلد قرآن مجید به همراه غبار ضریح حضرت رضا علیه‌السلام و نبات متبرک اهداء شد" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۲/۲۹).

خوب! دهقانان دیگر چه

"کشاورزی به عنوان شغلی که

انبیای خدا برای خود برگزیده‌اند فعلی الهی است" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۲/۲۰).

درجایی دیگر:

"هدف از روز کشاورزی و کشاورز در جامعه توجه دادن مردم به ارزشی که اسلام برای کشاورزی قایل شده و همچنین مطرح کردن ارزش تولیدکننده در جامعه

حاکمیت جمهوری اسلامی در برگزاری مراسم به اصطلاح "هفته کشاورزان" تلاش بسیار کرد تا مگر "اسلام" خودش را به جای زمین و آب و وسایل کشاورزی و آزادی و رفاه به دهقانان زحمتکش ارزانی دارد و از ایمان و اعتقاد و ساده‌دلی آنان برای به کرسی نشاندن برنامه‌های ضددهقانی و مستکبر پرور خود سودجویی کند. این هدف دنبال می‌شد که از یک سو، دهقانان آماج‌های انقلاب و خراست‌های دیرین خود را فراموش کنند. از مبارزات حق طلبانه دست کشند و به بردگی و استثمار سرمایه‌داری و بزرگ مالکی "اسلامی" تن در دهند، و از سوی دیگر زمینه ذهنی سلطه بی‌منازع بزرگ زمین‌داران و کلان سرمایه‌داران بر عرصه کشاورزی در جامعه ایجاد گردد؛ گویی همه دست‌اندرکاران، از درشت و ریز، برای اجرای هم‌آهنگ این صحنه نمایشی از پیش آماده شده بودند و این از کرامات "مکتب" است:

- بالاترین مقام رهبری خطاب به "کشاورزان نمونه" چنین گفت:

"کشاورزان عزیز می‌توانند ایران را از وابستگی در این بعد برهانند و این را یک عبادت شرعی حساب کنند، و عبادت است. کشاورزی که در اسلام آنقدر بهش اهمیت داده شده است و بعضی از ائمه ما خودشان رفتند سراغ این که سرکشی به کشاورزان بکنند و گاهی هم شاید عمل. از این جهت باید ما این بعد را تقویت کنیم... شما امروز برای اسلام کار می‌کنید، برای خدا عبادت می‌کنید. بنابراین من از همه کشاورزان تقاضا دارم که در کار کشاورزی جدیت کنند... (اطلاعات - ۶۲/۲/۲۶).

- حجت‌الاسلام طبعی، "نماینده امام و تولیت آستان قدس" در دیدار با "کشاورزان نمونه" گفت:

"کشاورزی یک تکلیف شرعی است و یک امر واجب و واجب برای کشاورزان" (جمهوری اسلامی - ۸۴/۲/۲۹).

- خامنه‌ای رییس جمهور: "مسئله کشاورزی در قرآن ریشه دارد" (جمهوری اسلامی ۶۲/۲/۲۳).

هفته بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران

بقیه از صفحه ۱۰

و با دست شورای نگهبان سرمایه داری، شمشیر تهدید و تکفیر را در هوا تکان می دهند و فریاد "والسلاما" را سر می دهند تا همه دست اندر کاران حساب کار را بکنند و همه آنهايي که موس انقلابی مابنی در سر می پروراند از "عواقب" آن بر حذر باشند. در حقیقت هیچ يك از قلم به دستان مجاز یا آنها که از پشت بلندگوهای "همیشه در صحنه" شب و روز فریادشان بلند است، دیگر مدتهاست از "زمین برای کشاورزان" سخن نمی گویند و چیزی نمی نویسند. گویی برای انقلاب بزرگ ایران و برای "کشاورزان عزیز که می توانند ایران را از وابستگی در این بعد نجات دهند" مرکز مسئله ای به نام "زمین برای دهقانان" مطرح نبوده و انقلاب ایران هم به این گونه امور "پیش یا افتاده"، "مادی" و "دنیایی" اعتنایی نداشته است. اخیلی که دست بالا را می گیرند، گاه گاه مسئله "مالکیت در اسلام" را به میان می کشند تا ثابت کنند که مالکیت حد و حصری ندارد و حضرات غارتگران از این بابت خیالشان راحت باشد، مبادا آن که تزلزل در ارکان غارت و استثمار سرمایه داری رخ دهد.

اما "هفته کشاورزان" را دیگر نمی شد فارغ از مسئله "مالکیت زمین های کشاورزی" بر گزار کرد. چنین بود که شعار "تعیین تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی" سر داده شد، انگار پیش از انقلاب، تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی روشن نبوده و انقلاب باید آن را "تعیین" کند، و چه بی شرمانه و ابلهانه عبل می کنند که اصرار دارند این سخن از زبان "کشاورزان" شنیده شود تا مگر این شبهه در اذهان ایجاد کرده که گویا برای دهقان فرق نمی کند که زمین و آب و وسایل کشت و کار از آن او و خانواده اش باشد یا مهر مالکیت زمین داران بزرگ و کلان سرمایه داران بر آن نقش بندد: همه "تولید کننده" اند. چه مالک، چه دهقان. زمین مال "ارباب" هم که باشد انگار ملک دهقان است. آنچه برای او اهمیت دارد این است که "تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی" را انقلاب تعیین کند! روزنامه مجاز "اطلاعات" از زبان

یک "کشاورز نمونه" که "سه فرزند را تقدیم انقلاب نموده است و دو فرزند دیگرش نیز مجروح و به سایه روشن های دیرپای پیروزی می نگرند، لکن هنوز در مزرعه به سر می برد" چنین می نویسد:

"وی صادقانه از رییس مجلس خواست تا تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی را روشن کند. کیست که چنین صلابتی (!) را ببیند و برخورد نلرزد (!)"

می افزاید: "حجت الاسلام و رفسنجانی بار دیگر منادی سرور آنان شد و گفت من پیام شما را به امام و مسئولین کشور خواهم رساند" (۶۳/۲/۲۶).

لا بد این هم از "معجزات انقلاب اسلامی" است که در ششمین سال پیروزی انقلاب، رییس مجلس شورای اسلامی، بدون آن که از این "صلابت" برخورد بلرزد، تازه وعده می دهد که مسئله "تعیین تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی" را با امام و مسئولان کشور در میان می گذارد!

این نمایشنامه باید با شرکت یک دوچین "کشاورزان نمونه" به روی صحنه می آمد: نمونه هایی از همه نوع که "صبح خروس خوان جامه روستایی و ساده خویش را در بر می کند و بر زمین کوچکش می نگرند"، "لیاس محلی زیبایی به تن دارد و به لهجه شیرین روستایی صحبت می کند" و با "سرو وضع مرتبی دارد و فارسی را به درستی نمی تواند صحبت کند" و... در میان "نمونه" ها، از دهقان تهری دست و زندگی باخته ای که فرزندان خود را از دست داده و باید از این بابت "نمونه" سایر هم زنجیران باشد تا زمین دار بزرگ ۱۵۰ هکتاری یافت می شود.

"حسین محمدی" یکی از "نمونه" ها در پاسخ گزارشگری که از وی می پرسد؛ چرا به عنوان "کشاورز نمونه" انتخاب شده است به سادگی می گوید:

"حدود ۱۵۰ هکتار زمین دارم. باران خوب بیاید حدود ۱۰۰ خروار گندم برداشت می کنم... حدود ۱۰۰ کوسفند دارم که سالی دو بار می زاینند... مشکل اصلی ما کمبود کمپاین و وسایل نقلیه است" و با این همه ادعای می کند که: "در روستای ما مالک عمده ای وجود ندارد (۱)" (همانجا)

این بزرگ مالک نمونه که سالانه، حداقل حدود یک میلیون تومان فقط از فروش گندم دست رنج دهقانان به جیب می زند - در آمدهای حاصل از دام داری، باغ داری، ربا خواری، معاملات سلف و غارتگری های دیگر او به کنار - با آنچه از حاکمیت ارتجاعی مستکبر پرور در جمهوری اسلامی دستگیری شده است، حق دارد خود را به عنوان "کشاورز نمونه" یعنی، تولید کننده ای که باید ارزش او در جامعه مطرح گردد" قلمداد کند.

حاکمیت جمهوری اسلامی که با تمام نیرو و با به کار بستن انواع ترفندها می کوشد موجبات حضور بیش از پیش بخش خصوصی را در عرصه کشاورزی و محیط روستا فراهم سازد، از زبان همین "نمونه" مسئله و "امنیت مالک و کشاورز" را به میان می کشد:

"اطلاعات" سخنان "کشاورز نمونه" ۱۵۰ هکتاری را که "بزرگ ترین مشکل منطقه (او) عدم امنیت کافی است" نقل می کند و می نویسد:

"در روستای ما - اورتا بلاق - ۵۰ خانوار زندگی می کنند. افراد ساکن روستا صاحب زمین هستند. مالک عمده ای وجود ندارد (۲)... اکثر روستاهای بزرگ به روستاهای کوچک زور می گویند. درگیری بر روی تصاحب زمین و مرتع خیلی وجود دارد. این عدم امنیت باعث شده که خیلی از افراد روستایی از روستا به شهرها کوچ کنند. مهاجرت در منطقه ما به خاطر عدم امنیت جانی و مالی کشاورزان است" (همانجا)

مفهوم سخنان او چنین است که ساکنان روستاهای پر جمعیت که اکثرا از دهقانان خریده یا تهری دست بی زمین و کارگران کشاورزی و خوش نشینان فقیر تشکیل می شود، در طلب آب و زمین به احلاک بزرگ مالکان روی می آورند و به مبارزه می پردازند. این است که "امنیت" انکلاها و غارتگرها را مختل می سازند و "زور می گویند"، او که "بزرگ ترین مشکل منطقه اش عدم امنیت کافی است" چاره جوئی می کند. اتفاقاً "صدای جمهوری اسلامی" نیز که باید سهم خود را در "هفته کشاورزان" ادا کند سخنان هاشمی رفسنجانی را تکرار می کند که

"تا مسئله زمین حل نشود" تا "مالک و کشاورز امنیت نداشته باشند" نمی توانیم کشاورزی را رونق دهیم" و می افزاید: "دولت می تواند با استفاده از بخش خصوصی در پیشرفت کشاورزی اقدام کند".

"هفته کشاورزان" چون همه "هفته" ها و "روز" ها و مراسم و بزرگداشت های غالباً مبتذل و مانند بیشتر سینارهای رنگارنگ میان تهری، جز تسلیم هر چه بیشتر به خواستهای امپریالیسم و تقویت فشار فزاینده سرمایه داری و بزرگ مالکی و تحکیم زنجیر اسارت دهقانان زحمتکش همدنی رادنبال نکرد. "هفته کشاورزان" در حقیقت هفته بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران، هفته بخش خصوصی در عرصه کشاورزی بود. در مراسم برگزارئی این هفته نه تنها به دهقان تهری دست و بی زمین - حتی - وعده زمین و آب داده نشد، برعکس دهقانان به قبول اسارت نظام سرمایه داری و استثمار ارباب رعیتی "اسلامی" و تحمل هر چه بیشتر رنج گرسنگی و تیره روزی قرون و فراموش کردن هدف های انقلاب و از یاد بردن آنچه روزی رهبران برای فریب توده ها سروده بودند دعوت شدند.

اگر روزی گفته می شد: "سند همان دست های پینه بسته کشاورزان است" و غارتگران "به پای میز محاکمه" کشانده خواهند شد، اکنون رهبران جمهوری اسلامی بدون آن که حتی به سخنان مکرر گذشته خود رجوع کنند و رنج و سستی که طی قرون بر توده های میلیونی دهقانان گذشته است به یاد آورند، به رغم خواست های حق طلبانه دهقانان، در شرایطی که فقر و تیره روزی و ستم و غارت و آوارگی و گرسنگی و مرگ و کشتار سراسر روستاها را فرا گرفته است به دهقانان "دلخوشی" می دهند که "امروز این طور نیست، امروز برای اسلام کاری کنید، برای خدا عبادت می کنید... و سخنان خود را چنین پایان می دهند. "بنابراین من از همه کشاورزان تقاضا دارم که در کار کشاورزی جدیت کنند و ما را از این که دستان پیش دیگران باشد نجات دهند" (روزنامه ها).

اما آیا در شرایطی که حاکمیت جمهوری اسلامی در راه تسلیم به امپریالیسم، چهارا سه می تا زدی و پشت سر خود راه را برای سلطه بی منازع سرمایه داری و بزرگ مالکی باز و هموار می سازد می توان چنین "تقاضا" بی را جدی گرفت؟

دز هفت‌ه‌ای که گذشت:

روزنامه کیهان در مورد این کنفرانس و اوضاع زندان‌ها سخنان خود افشاگر و بی‌نیاز از توضیحی به زبان آورده. و در بیان مشکلات زندان‌ها گفت: "همین‌طور در مورد مسئله جابجایی برای اینکه قبل از انقلاب و در اوایل پیروزی انقلاب مسئولین فکر نمی‌کردند که اصلاً ما اینقدر نیاز به زندان داشته باشیم. فکری که کردیم که همان‌طور که همه مردم آن موقع دست به دست هم دادند و پشت حضرت امام روند انقلاب را در پیش گرفتند و به جلو برآید، یک روز متفرق شده و مسئله به صورتی که فعلاً است در بیاید... لذا یک مشکل هم کمبود جاست" (کیهان-۷ خرداد ۶۳).

"جان مردم دارد به لب می‌رسد"

نماینده رودسر حسین حسینی‌نیا- در آخرین نطق پیش از دست‌نبرد خود در آخرین جلسه مجلس اول، سخنانی پر زبان آورد که بیانگر بحران سیاسی- اقتصادی حاکم بر کشور ما و خیانت حاکمیت جمهوری اسلامی به آرمان‌های انقلاب است. او گفت:

"شعارهای علیه‌خان، سرمایه‌دار، فاسدان و زورگویان یکی از محرکین انقلاب بوده، باعث شد که نیروهای انقلاب در شهرستان‌ها، در خیابان‌ها و در کوچه‌ها علیه آنها سنگر بگیرند."

اما به رغم این تلاش توده‌های زحمتکش و انقلابیون مدافع آنان:

"بعد از گذشت چندی برادران و دوستان دیگر (و حتماً مکتبی و مسلمان) آمدند و گفتند این نیروهای کار، مطلع، دانا مدیر و مدیرند (بخوان "متخصص مکتبی") و به قول برادرمان آقای پوراستاد اگر مدیر یت خصوصی را از کاواری برداریم تولید از ۲۰۰ تن شیر، به ۲۰ تن کشیده می‌شود."

اوشن بیان این مطلب که:

"من به عنوان کسی که الان بعد از پنج سال در بخشی از انقلاب بوده‌ام، نمی‌دانم که کدامیک از این شعارها درست است و کدامیک از اینها قانونی؟"

و به علت این "ندانستن" (۱) اضافه می‌کند:

"ما بعد از پنج سال هنوز نتوانسته‌ایم به این مردم بگوییم که با کدامیک از این معیارها می‌خواهیم زندگی کنیم... اگر (خان‌ها، دزدان، غارتگران) می‌خواهند برگردند، به نظر من خیلی صادقانه می‌رسد که ما به این مردم بگوییم، اگر حرف زده بودیم، نمی‌دانستیم آنها از کارایی بیشتری برخوردارند، آنها مدیر و مدیرند."

البته غیرممکن است کسی عضو مجلس باشد و نداند که حاکمیت جمهوری اسلامی با خیانت به انقلاب و پشت کردن به وعده‌های خود در قبال مردم، مدتهاست معیارهای خود را به روشنی معین کرده و در راه بازسازی و احیاء مناسبات سرمایه‌داری وابسته کام گذاشته و نه تنها غیرصادقانه که شایسته و به عبث می‌کوشد این موضوع را از توده‌های مردم پنهان کند. از نماینده رودسر پیچید است این سخن بالاترین مقام رهبری

بقیه در صفحه ۱۶

جمهوری اسلامی در تشکیل این کنفرانس دنبال می‌کند گفت:

"در سینیار جهانی قضایی اولین هدفی را که ما داریم اینست که ما به کسانی که در خارج نشسته‌اند و می‌گویند ایران (یعنی جمهوری اسلامی) مردم را بدون جهت مجازات می‌کند، ایران مردم را بدون حساب می‌کشد و ایران در محاکمات حساب و کتابی ندارد، بگوییم که در ایران همه چیز روی حساب است (۱)..."

این آدم‌کشان که خون هزاران انقلابی از چنگ شان می‌چکد و ده‌ها هزار انسان آزاده و دگراندیش را سالهاست در فراموش‌خانه‌های خود تحت شکنجه‌های جسمی و روانی قرار داده‌اند و به خواست تمام انسان‌های آزادی‌خواه مبنی بر بررسی وضع زندان‌های جمهوری اسلامی و دفاع از بی‌گناهان پاسخ منفی داده‌اند، بی‌شرمانه از زبان دادستان کل کشور مدعی می‌شوند:

"... ما می‌توانیم به آنها کیفیت بازجویی‌ها، بازپرسی‌ها و پرونده‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب تشکیل شده... را نشان دهیم که آنها ببینند روی حساب است، این چنین نیست که بلافاصله یک متهمی را فوراً اعدام کنند" (جمهوری اسلامی-۱۰ خرداد ۶۳).

سخنان صانعی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی که در اثر بازداشت، شکنجه و کشتار نیروهای ترقی‌خواه کشور در تمام محافل بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان‌ها، مجامع جهانی و از سوی کلیه نیروهای ترقی و دمکرات دنیا به خاطر رفتار وحشیانه و جنایتکارانه با زندانیان سیاسی کشور محکوم شده، تلاش دارد با برگزاری مضحکه‌ای به نام "کنفرانس بین‌المللی قضایی" و صدور قطعنامه‌ای در انتهای آن، به خیال خود افشاگری‌هایی را که علیه آن انجام گرفته، پاسخ دهد. اگرچه همین سخنانی که صانعی بر زبان رانده، اعترافی است ناخواسته به تجاوزات جمهوری اسلامی به حقوق انسان‌ها و به ویژه زندانیان سیاسی کشور ما.

در واقع سردمداران رژیم چنانچه از افشای جنایاتشان در زندان‌های جمهوری اسلامی وحشتی نداشتند، به جای تشکیل "کنفرانس" خودساخته، به پیشنهادهای سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی جهت بازدید از زندان‌های جمهوری اسلامی پاسخ مثبت می‌دادند.

صانعی سپس با بیان اینکه "اسلام در باب قضا اولویت را به قاضی داده ولی در قوانین دنیا اولویت با قانون است"، اعتراف می‌کند چه بلشویبی در قوه قضاییه جمهوری اسلامی حاکم است. بر طبق این گفته، دست قاضی باز است تا هر حکمی را که شخصاً ترجیح می‌دهد، بدون وجود هرگونه ضابطه‌ای برای قربانیان خود صادر کند. در یک جمله می‌توان گفت: قانون جنگل بر قوه قضاییه جمهوری اسلامی حاکم است.

از سوی دیگر حاکم شرع زندان اوین در گفتگو با

مسابقه جنون آمیز انسان‌کشی

دور جدیدی از کشتار زحمتکشان دو کشور ایران و عراق توسط رژیم‌های حاکم بر آنها، آغاز شده است: به دنبال تهدیدات جدید جمهوری اسلامی مبنی بر حمله گسترده به عراق و اعلام چندباره "یکسره کردن کار جنگ"، دولت عراق به این بهانه شهرهای بانه، مسجدسلیمان، دزفول، نهاوند، گیلان‌غرب و رهلران را هدف بمباران‌های خود قرار داد.

در این بمباران‌های جنایتکارانه، تنها در بانه بیش از ۶۰ نفر از هموطنان بی‌دفاع ما کشته و زخمی شدند و ویرانی‌های بسیاری به بار آمد. در مسجدسلیمان و دزفول ۲۰ نفر کشته و زخمی، در نهاوند ۲۱ نفر کشته و ۱۵۰ نفر زخمی و در گیلان‌غرب و دهلران نیز ده‌ها نفر کشته و زخمی شده‌اند. همچنین در حمله مرشکی مجدد عراق به دزفول ۱۴ تن کشته و ۱۵۲ تن زخمی شدند.

به دنبال بمباران‌های جنایتکارانه عراق، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اعلام کردند به عملیات انتقام‌جویانه دست خواهند زد. ستاد ارتش جمهوری اسلامی طی اعلامیه‌ای اطلاع داد که ۱۱ شهر عراق را از طریق زمین و هوا مورد هجوم قرار خواهد داد. طبق اخبار منتشره تا کنون ۴ شهر بصره، مندلی، خانقین و زرباطیه هدف بمباران‌های نیروهای نظامی ایران قرار گرفته‌اند. طی این عمل جنایتکارانه تعداد زیادی از مردم بی‌دفاع و زحمتکش عراق کشته و زخمی شده و ویرانی‌های بسیاری به بار آمده است.

این مسابقه جنون آمیز انسان‌کشی در شرایطی صورت می‌گیرد که تدارکات فراوانی جهت به اصطلاح حمله نهایی به عراق، از سوی جمهوری اسلامی آغاز شده است و تمام شواهد حاکی از آغاز قریب‌الموقع عملیات جنگی توسط جمهوری اسلامی است. بدین ترتیب رژیم ایران کشتارده‌ها هزار تن دیگر از جوانان دو کشور را در جنگ بی‌معنا و خاناسوز تدارک دیده است.

بر مردم و نیروهای ترقی‌خواه و صلح‌دوست ایران و جهان است که با اعمال فشار بر جمهوری اسلامی جهت تحقق صلح عادلانه میان ایران و عراق، بر این کشتارهای جنون آمیز و جنایتکارانه نقطه پایان نهند.

جمهوری اسلامی،

با کمبود "زندان" روبروست!

هفته گذشته، اعضاء شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی طی یک مصاحبه مطبوعاتی اهداف سینیار قضایی جمهوری اسلامی را تشریح کردند. در این مصاحبه اعلام شد، یکی از دوانگیزه تشکیل این سینیار، گردهم‌آیی مقدماتی جهت تشکیل "کنفرانس بین‌المللی قضایی" بوده است.

صانعی دادستان کل کشور در مورد اهدافی که

شورای همیاری اقتصادی و کشورهای در حال رشد

این چارچوب محدود نمی‌ماند. هم اکنون هزاران متخصص کشورهای سوسیالیستی در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین به تکامل، آموزش و پرورش کادرهای جوان این کشورها اشتغال دارند. در سال ۱۹۸۲ تعداد متخصصین کشورهای سوسیالیستی در کشورهای جهان سوم ۲۲ هزار نفر بود. در سال ۱۹۸۲ تعداد آنها افزایش یافت. از سوی دیگر کشورهای سوسیالیستی درهای خود را به روی جوانان و کادرهای کشورهای در حال رشد گشوده‌اند. در ده سال اخیر تعداد دانشجویان این کشورها در کشورهای سوسیالیستی فقط ۲۶ هزار نفر بود. در حالی که هم اکنون در آموزشگاه‌ها و مدارس عالی کشورهای مذکور ۲۲ هزار جوان آسیایی، آفریقایی و آمریکایی تحصیل می‌کنند. در سال‌های اخیر شورای همیاری اقتصادی خودمبادرت به تأسیس آموزشگاه‌های عالی در کشورهای در حال رشد نموده است. هر چند تأمین کادر آموزشی برای این آموزشگاه‌ها، یکی از عمده‌ترین دشواری‌های این نوع کمک محسوب می‌شود، ولی با کوششی که به عمل می‌آید این دشواری نیز به زودی برطرف خواهد شد.

فرآورده‌های صنایع سنگین خود را تأمین می‌کند. تمام تولید و تصفیه نفت سوریه و همچنین ۱۰۰ درصد تولید گاز و کود صنعتی این کشور با کمک کشورهای سوسیالیستی به وجود آمده است. در افغانستان ۶۰ درصد نیروگاه‌های برق، صد درصد صنایع خانه سازی و ۷۰ درصد تولید صنعتی بخش دولتی با کمک کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی ایجاد گردیده است. ارقام نشان می‌دهند که در بسیاری از کشورهای جهان سوم که تازه سال پیش استعمارگران حتی یک واحد صنعتی ساخته بودند در این مدت با کمک کشورهای سوسیالیستی، واحدهای متعدد صنعتی و کشاورزی ایجاد گردیده است که نقش عمده‌ای در درآمد ملی ایفا می‌کنند. این واقعیت که کشورهای سوسیالیستی تا سال ۱۹۸۲ در هندوستان ۲۵۲ کارخانه و موسسه صنعتی، در عراق ۲۹۹ کارخانه و موسسه صنعتی، در ایران ۲۱۸ واحد صنعتی و تولیدی، در الجزایر ۱۲۱ واحد، در افغانستان ۹۹ واحد و در جمهوری خلق چین ۲۱ واحد صنعتی و تولیدی ایجاد کرده‌اند از خصلت ملی و انترناسیونالیستی کشورهای سوسیالیستی حکایت می‌کند. کمک کشورهای سوسیالیستی تنها در

جمله: هندوستان، عراق، سوریه، لیبی، ایران، اردن، اتیوپی، مراکش، تونس، جمهوری خلق یمن، الجزیره، کویت، برمه، سریلانکا، جمهوری عربی یمن، جمهوری دمکراتیک افغانستان، نیجریه، غنا، گینه، موزامبیک و چنده کشور دیگر ۵۰۵۸ واحد صنعتی، کشاورزی، علمی و فنی به وجود آمده است. از این رقم ۲۴۲۱ واحد مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و بقیه به زودی به مرحله بهره‌برداری خواهند رسید. هر یک از این واحدها، بخش بسیار مهمی از ساختار اقتصادی کشورهای در حال رشد را تشکیل می‌دهد. واحدهای ماشین‌سازی، ذوب آهن، تولید نفت، تصفیه و بهره‌برداری، تولید و تلفیظ سنگ‌های معدنی، ایجاد ترانسپورت و ... هر یک، به طور جداگانه پیروزی مهمی در برابر استعمارگران غربی محسوب می‌شود که جز غارت و نیستی خلق‌های زحمتکش این کشورها هدف دیگری در سر ندارند.

اهمیت هر یک از این مراکز صنعتی برای کشورهای در حال رشد کاملاً عیان است. به طور مثال هم اکنون هندوستان با کمک کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی ۴۰ درصد از ذوب آهن، ۷۰ درصد تولید نفت و ۲۰ درصد تصفیه آن و ۹۰ درصد از

بیش از بیست سال است که کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به کشورهای در حال رشد کمک می‌کنند تا گرد استعمار را از چهره خود بزایند، به آثار و بقایای استعمار پایان دهند و برای خود اقتصادی متحرک و مستقل ایجاد کنند.

در برابر این واقعیت که هدف استعمار از تسلط بر اقتصاد کشورهای "جهان سوم" غارت و ربحانه آنهاست، کمک‌های اقتصادی، فنی و علمی کشورهای سوسیالیستی به کشورهای در حال رشد تنها به منظور بی‌نیاز ساختن آنان از کشورهای غربی و سرمایه‌های استعمارگر صورت می‌گیرد. مناسبات کشورهای سوسیالیستی با این کشورها بر پایه برابری حقوق، احترام به حق حاکمیت طرفین و سود مشترک قرار گرفته است.

در سال ۱۹۸۲ کشورهای سوسیالیستی شوروی، مجارستان، بلغارستان، چکسلواکی، جمهوری دمکراتیک آلمان، لهستان و کوبا با ۹۷ کشور آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین موافقت‌نامه‌هایی دائر بر ایجاد مراکز تولیدی و صنعتی، علمی و فنی این کشورها امضا کردند. تاکنون با کمک کشورهای سوسیالیستی در بسیاری از کشورهای در حال رشد از

کارگران جهان از صلح دفاع می‌کنند

اسلامی که با صلح تضادی آشتی‌ناپذیر دارد، تمام شکل‌های مستقل و واقعی کارگران ایران را سرکوب کرده است. بنابر این طبیعی است که چنین رژیم در مورد چنین رویدادهای مهم بین‌المللی ساکت بماند.

نمایندگان این رژیم همچنین تلاش کرده‌اند تا با شرکت خود در گردهم‌آبی نیکاراگوئه، چهره جنگ طلبانه و ضد کارگری جمهوری اسلامی را بزک کنند. کارگران ایران که مدافعان واقعی صلح‌اند و در سال‌های اخیر مستقیماً شاهد آثار شوم عفریت جنگ بوده‌اند، اجازه نمی‌دهند که ارتجاع جنگ طلب ایران پشت نام کارگران و صلح چهره کزیه خود را پنهان کند.

ماه گذشته، کنفرانس جهانی اتحادیه‌های کارگری بیش از ۱۱۰ کشور در مسکو برای دفاع از صلح تشکیل گردید. شرکت کنندگان در این کنفرانس بر خطر اقدامات جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا تأکید کردند و از همه کارگران جهان خواستند تا در امر دفاع از صلح متحد شوند.

همچنین اتحادیه‌های کارگری ۵۰ کشور برای افشای خطر جنگ افروزی‌ها و مداخلات امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی و نیکاراگوئه گردهم آمدند. کارگران جهان در این گردهم‌آبی‌ها نشان می‌دهند که بی‌گیرترین مدافعان صلح‌اند. رژیم مرتجع و جنگ طلب جمهوری

دفا تر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی یا نهادهای سرکوب و فریب کارگران!

... یعنی به زبان ساده این دفا تر عمدتاً از یک سوبلندگویی تبلیغاتی رژیم در کارخانجات و از سوی دیگر رابط واحدهای کار با ارگان‌های سرکوبگراند.

هر چه کارگران بیشتر به ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بی‌می‌برند، رژیم نیز بیشتر به تبلیغات دروغین نیاز پیدا می‌کند، هر چه کارگران بیشتر از جنگ بی‌سرانجام با عراق روی برمی‌تابند، نیاز رژیم به تبلیغ و تهدید برای جلب آنان به جیبه‌های قتل عام بیشتر می‌شود. ولی تجربه نشان داده است که کارگران را نمی‌توان فریفت.

اخیراً چهارمین گردهم‌آبی مسلمانان دفا تر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی کارگران ادارت کل و امور اجتماعی سراسر کشور در ساری برگزار شد.

معاون فرهنگی وزیر کار که در این گردهم‌آبی شرکت کرده بود، فلسفه وجودی این دفا تر را چنین بیان داشت:

"اهداف کار این دفا تر مجموعاً عبارت است از: تحقق آرمان‌های اسلامی در محیط‌های کارگری از طریق بسیج و تشویق کارگران و ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین نیاز ارگان‌های انقلابی در کارگاه‌ها... و اعزام مبلغین جهت ارشاد ایدئولوژیک به واحدهای تولیدی

زحمتکشان خوزستان، تأمین خواست‌های خود را می‌طلبند

بقیه از صفحه ۱

کسترده ابراز می‌کنند؛ به ویژه زنان، با شیون و زاری فریاد می‌زنند؛ ما از جنگ بیزاریم - ما صلح می‌خواهیم.

● در میدان لشکرآباد اهواز که به مناسبت انتخابات فرمایشی حکام جمهوری اسلامی، کار به درگیری و تیراندازی کشیده می‌شود، ۲ نفر از جوانان آن منطقه زخمی می‌شوند، اهالی زحمتکش لشکرآباد به عنوان اعتراض روبروی مسجد محل گرد می‌آیند و به زبان عربی ضمن طرح خواست خود مبنی بر پایان بخشیدن به جنگ، خواستار مجازات پاسدازانی شده‌اند که به سوی فرزندانشان تیراندازی کرده‌اند. سردمداران جمهوری اسلامی به جای اجرای خواست‌های زحمتکشان عرب، عده‌ای از آنان را دستگیر می‌کنند. این اعمال وحشیانه، خشم مردم زحمتکش عرب را برانگیخته است.

● اهالی مسجد سلیمان که بر اثر جنگ فرسایشی ایران و عراق شمار قابل ملاحظه‌ای از فرزندان خود را از دست داده‌اند، هنگام تشییع جنازه سه تن از شهدای خود تظاهرات گسترده‌ای بپا می‌کنند. در این تظاهرات گروهی شعاری دادند: "به

این جنگ لعنتی" و دسته‌ای جواب می‌گفتند: "پایان دهید".

هموطنان جنگ‌زده خوزستانی‌ها، عموماً مشکلات یکسانی دارند؛ جنگ، آوارگی و دوری از شهر و دیار - تنگی جا و مسکن در اردوگاه‌ها و چادرهای جنگ‌زده خوزستانی - نرسیدن به موقع مواد خوراکی (که گاهی تا یک ماه به تعویق می‌افتد) بی‌کاری (بخش عظیمی از آنان جزو بی‌کاران جامعه‌اند) سطح نازل مستمری جنگ‌زدگی ... (آنان ماهیانه ۲۵۰ تومان دریافت می‌کنند که با توجه به افزایش نرخ تورم، به هیچ‌روی تکافوی‌گذران زندگیشان را نمی‌کنند.) آنان به حق می‌پرسند: "سیب زمینی، کیلویی ۲۰ تومان هم پیدا نمی‌شود، برنج کیلویی ۶۵ تومان است، چطور می‌توانیم زندگی کنیم؟"

یکی از کارگران نفت در این مورد می‌گوید:

"ما خواست‌هایی داریم که تا کنون، مدت چهار سال است جهت رسیدگی به آنها با کلیه مقامات تماس گرفته‌ایم ولی تا کنون به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم، بلکه هر روز یک برجسب به ما می‌زنند و برای اینکه خواست‌های ما را عملی نکنند

به ما تهمت ضدانقلابی می‌زنند. ما بیش از چهار سال است که در قبال این اتهامات دفاع نمی‌کنیم، چون کار و رنج ما، چهره ما، بهترین گواه ماست. آیا وقتی ما می‌گوییم جنگ را پایان دهید - قانون کار طاغوتی را به زیباله‌دان تاریخ بفرستید، می‌بایست بدین وضع تحت فشار، تعقیب، تحقیر قرار گیریم".

با این حال واکنش سردمداران رژیم، تنها "دعوت به وحدت" با تهدید و زور است:

یکی از فرماندهان سپاه پاسداران که در نماز وحدت اردیبهشت ماه صنعت نفت اهواز شرکت داشت، پس از تهدیدهای فراوان در مورد حرکات اعتراضی اخیر صنعت نفت چنین می‌گوید:

"تا آنجایی که به ما خبر داده‌اند، تعداد بسیار کمی در نماز وحدت شرکت می‌کنند و از آنجا که نماز وحدت، همان‌طور که از اسش پیداست باعث می‌شود بین همه اقشار وحدت به وجود آورد و مشکلات خودشان را برادرانه حل کنند و در آن مدیران مکتبی در مورد حل اختلافات موجود نهایت سعی و تلاش خود را بکنند و از برادران مسئول می‌خواهیم که در مورد شرکت همه

کارکنان، با توجه به همه امکانات کنترل بیشتری بکنند".

در واقع سردمداران جمهوری اسلامی می‌خواهند با تشکیل "نماز وحدت" بین کارگران و مدیران طاغوتی در پوشش اسلام ضیاءالحقی وحدت به وجود آورند.

کارگران به حق می‌پرسند: اگر آنها خواستار وحدت و تشکل هستند، چرا دستگاه جهنمی اطلاعاتی به ارث رسیده از ساواک راه، در واحدهای تولیدی هر روز گسترش می‌دهند؟ چرا از جمع شدن کارگران در سازمان‌های صنفی خود جلوگیری به عمل می‌آورند و هر روز مسئولین سندیکاها را مختلف

به سپاه چال‌های رژیم روان می‌کنند. آنان به خوبی می‌دانند وقتی یکی از فرماندهان سپاه از "برادران مسئول" می‌خواهد از همه امکانات خود برای کنترل کارگران استفاده کنند، یعنی آنکه ساواچای اطلاعاتی در صنعت نفت حرکات اعتراضی کارگران را بیشتر کنترل کند و آنها را به زور وادارند در "نماز وحدت" شرکت کنند.

در کنار این تضيیقات، بی‌اعتنایی به خواست‌های کارگران نفت، هم‌چنان پابرجاست. سردمداران رژیم تقاضای افزایش دستمزد و بهبود بخشیدن به شرایط کارگران را رد کردند و در عوض به ساعات کار آنان افزودند. چندی پیش فدراسیون بین‌المللی کارگران اعلام کرد، فعالیت اتحادیه‌های کارگری ایران

به دلیل فشار و تضيیقات هیأت حاکمه تقریباً به صفر رسیده است. به این جهت جای تعجب نیست که در ماه اوت سال ۱۹۸۰، حکومت ایران بدون مشورت با اتحادیه‌های کارگری آمرانه ساعت کار ۴۴ ساعته در هفته و یک روز استراحت را برقرار کرد. در صورتی که زمان رژیم سابق و بر اثر مبارزات حق طلبانه کارگران، ساعات کار، ۹ ساعت کمتر بود و ۲ روز در هفته استراحت داشتند.

این خواست‌های به حق، دردیداری که غرضی، وزیر نفت ایران با نمایندگان کارگران نفت چندی پیش از شهرهای مختلف داشت، مطرح شد. ولی پاسخ غرضی هم، چون واکنش دیگر مسئولان رژیم ثمری برای کارگران دربر نداشت. کارگران اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که خود باید برای بهبود وضع خویش اقدام کنند!

اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی کار

در این کشورها تعداد بی‌کاران ۵۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

در مقابل، نمونه کشورهای سوسیالیستی نشان داده است که معضل بی‌کاری را تنها با نفی سرمایه‌داری می‌توان حل کرد. اکنون بیش از نیم قرن است که در اتحاد شوروی بی‌کاری ریشه‌کن شده است. در دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز حق کار در عمل برای تمامی مردم تأمین شده است.

در کشور ما نیز، رشد بی‌بندوبار سرمایه‌داری نه تنها مانع اتخاذ سیاست‌های صحیح اشتغال گشته، بلکه موجب شده است، بیش از پیش بر توده بی‌کاران افزوده شود. اکنون بیش از ۲ میلیون ۶۰۰ میلیون کارگر در ایران بی‌کارند. ابعاد فجایع

هفته گذشته، اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی کار در ژنو آغاز به کار کرد. این اجلاس با شرکت نمایندگان دول و اتحادیه‌های کارگری بیش از ۱۵۰ کشور برگزار گردید. بحث پیرامون مسئله اشتغال و بی‌کاری در جهان دستور کار اصلی این اجلاس بین‌المللی است.

معضل بی‌کاری یکی از عوارض بحران عمومی سرمایه‌داری است که در تمام جهان سرمایه‌داری دیده می‌شود. در کشورهای امپریالیستی نزدیک به ۳۵ میلیون نفر بی‌کارند. در کشورهای بازار مشترک اروپا اکنون بیش از ۱۲ میلیون یعنی حدود ۱۱ درصد جمعیت فعال بی‌کارند. در کشورهای در حال رشد مصیبت بی‌کاری ابعاد وحشتناک‌تری دارد.

ناشی از بی‌کاری در کشور ما چنان است که سخنان عوام فریبانه مسئولین جمهوری اسلامی در این گونه اجلاس‌های بین‌المللی قادر نیستند کسی را بفریبند.

همان‌طور که در "پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه" آمده، "از میان بردن بی‌کاری آشکار و پنهان در شهر و روستا و تضمین اشتغال به مثابه حق مسلم شهروندان"، عمدتاً با "پایان دادن به سیاست‌های ارتجاعی حاکمیت، که در صدد احیاء مواضع سیاسی و اقتصادی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم در کشوراند" گره خورده است.

افشای جنایات رژیم در روز کارگر

اوج گیری نفرت و ...

بقیه از صفحه ۵

روزنامه که تحت عنوان "ایرانیانی که به جرم داشتن عقاید ضد رژیم در کشور خود محکوم به مرگ هستند، در تبعید نیز از شریکد مأمورین رژیم در امان نیستند" به چاپ رسیده، جو خفقان موجود در ایران علیه نیروهای مترقی تشریح و اشاره شده است که مأمورین رژیم جمهوری اسلامی، مدتهاست در بسط این جوبه خارج از کشور تلاش دارند و ارتکاب این گونه اعمال به دست "کماندوهای مرگ" که خود را "طرفداران اسلام" معرفی می کنند بخشی از این طرح توطئه آمیز را تشکیل می دهد. نویسنده مقاله بر این امر تأکید کرده است که اکثریت اعضای این "کماندوهای مرگ" را جنایتکاران حرفه ای تشکیل می دهند و در سایه همکاری همه جانبه دولت ایتالیا با ایران، علا تحت حمایت پلیس ایتالیا به سر می برند و "آزادی موقتی" مرتکبین جنایت کاتانیا نیز از زندان، دال بر این امر است.

● روزنامه "لاسیجیلیا" در تاریخ ۲۴ ماه مه (سوم خرداد) خبر "آزادی موقتی" ۶ تن از ضاربین بازداشت شده را به دست پلیس کاتانیا اعلام داشت. خبر بدین شرح تکمیل می شود که گویا مأمورین پلیس به تحت جنایتکاران آزاد شده که تحت کنترل هستند، اطلاع داده اند، مقدمات اخراج آنان از ایتالیا در دست انجام است.

و بدین ترتیب بار دیگر همکاری میان پاسداران اختلاف در ایران و پلیس کشورهای اروپایی در سایه بهره های عظیمی که دولت های سرمایه داری این کشورها از ایران می برند، مسلم می گردد. مأمورین جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی، حتی زمانی که در حین ارتکاب جرم شناسایی و سپس دستگیر می شوند، به سادگی آزاد شده و احيانا ظاهرا از کشوری اخراج می کردند تا پس از آرام گرفتن جو اعتراض محافل دمکرات دوباره به سادگی به کشور بازگردند و یا به کشورهای دیگر جهت ادامه اعمال جنایتکارانه خود اعزام شوند.

مسئول سازمان صلح و همبستگی و دبیر سازمان زنان ایالت مادیا پرادش، در رابطه با اوضاع ایران و خطری که جنگ خانمان سوز ایران و عراق منطقه را تهدید می کند، توضیحاتی داد. این تظاهرات با پخش اعلامیه هایی علیه جنگ ایران و عراق و اختلاف و شکنجه در ایران که به امضای گروه زیادی از سازمان های مترقی این ایالت رسیده بود، به پایان رسید. خبر برپایی این تظاهرات به طور وسیع در روزنامه های محلی ایالت مادیا پرادش منعکس گردید.

● در روزهای ۲۷ و ۲۸ آوریل (۷ و ۸ اردیبهشت) نمایشگاه طرح، عکس و کتاب در رابطه با صلح جهانی، جنگ ایران و عراق و اوضاع سیاسی ایران در محل دانشگاه هیمالچال پرادش برگزار شد. نمایشگاه مذکور که توسط فدراسیون سراسری دانشجویان و فدراسیون دانشجویان هند ترتیب داده شده بود، توسط رییس



بخش حقوق دانشگاه و حقوق دانان برجسته هندی، آقای مسیح افتتاح گردید و طی دو روز، گروه کثیری از مردم آن را مورد بازدید قرار دادند و در دفتر یادبود نمایشگاه مطالبی مبنی بر خواست قطع جنگ با عراق، آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به شکنجه و کشتار میهن دوستان ایران، زنده باد حزب توده ایران و زنده باد سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، بر اجرای این خواست ها و برقراری صلحی عادلانه که به نفع خلق های منطقه باشد، تأکید ورزیدند.

کمیسیون ارتباطات انجمن همبستگی اتحادیه ها در ایران خوانده شد. شرکت کنندگان و سخنرانان در جلسه ضمن اعتراض به اعمال وحشیانه دژخیمان حکومتی در مورد اعمال حکومت ترور و اختناق و پیگرد و شکنجه و کشتار زحمتکشان ایران، خواهان آزادی دمکرات ها، سندیکالیست ها و اعضا و هواداران حزب توده ایران از بند و همچنین خاتمه جنگ میان ایران و عراق شدند.

هندوستان

بیست و هشتم آوریل (هشتم اردیبهشت) تظاهراتی با شرکت دانشجویان فلسطینی، عراقی، فدراسیون سراسری دانشجویان و فدراسیون سراسری جوانان هند، فدراسیون دانشجویان و سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان شهر بویال واقع در ایالت مادیا پرادش، علیه جنگ ایران و

در مراسم راه پیمایی اول ماه مه در لندن هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شرکت کردند. شرکت کنندگان به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای مترقی میهن ما و به ویژه شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی پرداختند. در این راه پیمایی "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" با توزیع اعلامیه های متعدد توجه افکار عمومی و محافل اجتماعی بریتانیا را جهت اعمال فشار به حکام جمهوری اسلامی در خصوص قطع تضيیقات علیه آزادی خواهان ایران و آزادی آنان هم چنین قطع جنگ ایران و عراق جلب نمود.

نمایندگان اتحادیه های کارگران جهان بار دیگر از حزب توده ایران پشتیبانی می کنند

در مراسم جشن با شکوهی که به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان در لندن برگزار شد، نمایندگان برجسته جنبش کارگری بریتانیا و نمایندگان اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف جهان بار دیگر پیوند و همبستگی کارگران جهان را از زحمتکشان و کارگران ایران و سازمان های صنفی و سیاسی آنان، به خصوص حزب توده ایران اعلام داشتند.

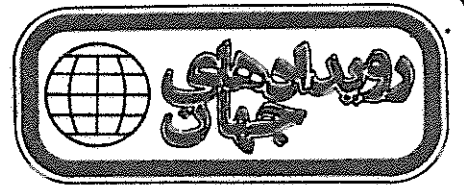
در این مراسم، دن جونز، رییس شورای کارگران شرق لندن، رییس شورای کارگری شیلی در بریتانیا؛ الف لاس، عضو پارلمان اروپا؛ نماینده اتحادیه معدنچیان بریتانیا؛ جیم لیسل، عضو شورای مرکزی شورای جهانی صلح منشی کمیته سیاسی تعاونی های بریتانیا؛ نماینده اتحادیه های مترقی ترکیه (دیسک) و همچنین نماینده اتحادیه های کارگری پرتغال (انترسندیکال) شرکت داشتند.

در این جلسه به نمایندگی از کارگران و زحمتکشان ایران پیام

عراق انجام گرفت. تظاهر کنندگان ضمن حمل شعارهایی از جمله خواست پایان جنگ، آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به پیگرد، شکنجه و کشتار میهن دوستان ایران، زنده باد حزب توده ایران و زنده باد سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، بر اجرای این خواست ها و برقراری صلحی عادلانه که به نفع خلق های منطقه باشد، تأکید ورزیدند.

در گردهم آیی پایانی، خانم روحی

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم



ناتو،

افزارتدارك جنگ تجاوزی

هفته گذشته شورای پیمان آتلانتیک شمالی در پایتخت ایالات متحده آمریکا تشکیل شد و سندی را به عنوان "اعلامیه واشنگتن" تصویب کرد. از محتوای سخنرانیها و متن این سند مشاهده می شود که ناتو همچنان به عنوان افزاری برای تجاوز به سود محافل نظامی گرا و قبل از همه در ایالات متحده آمریکا به کار گرفته می شود. این جلسات ثابت کرد که ایالات متحده و دیگر کشورهای دارنده جنگ افزار هسته ای و عضو ناتو حاضر نیستند این تعهد را بپذیرند که در کاربرد جنگ افزار هسته ای پیش دستی نکنند. تعهدی که اتحاد شوروی دیگر آن را تقبل کرده است. کشورهای عضو ناتو در برابر پیشنهاد کشورهای عضو پیمان ورشو مبنی بر بستن قراردادی به منظور خودداری متقابل از کاربرد نیروی قهر و برقراری مناسبات مسالمت آمیز نیز واکنش از خود نشان ندادند و آن را به سکوت برگزارد کردند.

حزب کمونیست لبنان، میهن پرستان را به یگانگی دعوت می کند

حزب کمونیست لبنان از همه میهن پرستان کشور دعوت کرده است در یک جبهه دمکراتیک ملی متحد شوند.

وظیفه اصلی این جبهه، بیکار برای آزاد کردن جنوب لبنان از اشغال نیروهای اسرائیل خواهد بود. حزب کمونیست لبنان تأکید می کند مبارزه برای آزاد کردن جنوب کشور و برقرار کردن مجدد وحدت ملی، استقلال و حق حاکمیت لبنان باید همزمان انجام شود.

در سند کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان بیرامون وضع موجود در کشور گفته می شود؛ اکنون

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی در مقابل شورای نگهبان را نشنیده باشد:

"اگر قبلا اشتباه کرده باشیم، باید صریحا بگوییم اشتباه نموده ایم این معنی ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زدم، باید روی همان حرف بمانم".

سخنان بعدی نماینده مجلس این موضوع را روشن می کند:

"نیروهای انقلابی هیچ تأمین ندارند (آنها را گروه گروه به اسارت می برند، شکنجه می کنند و

اتحاد نیروهای ارتجاعی لبنان تمام امکانات خود را به کار گرفته تا موفقیت های به دست آمده توسط نیروها و سازمان های مترقی و ملی را نابود سازد. از این نظر یگانگی این نیروهای ملی و مترقی باید مستحکم تر گردد. وحدت نیروهای ملی و مترقی وثیقه ایست برای موفقیت در حل مسائل کشور و از جمله تحقق اصلاحات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی و برطرف کردن نظام کهنه شده تقسیم قدرت بر حسب علامت وابستگی مذهبی.

نگاهی به نتایج انتخابات در مصر

حزب حاکم دمکرات ملی اکثریت مطلق یعنی تقریباً ۷۲ درصد از آراء داده شده و ۲۹۱ کرسی از مجموع ۴۴۸ کرسی مجلس را به خود اختصاص داد. حزب وفد جدید ۱۵ درصد آراء و ۵۷ کرسی به دست آورد. سه حزب دیگر یعنی حزب ملی مترقی (چپ)، حزب سوسیالیستی کار و حزب لیبرال سوسیالیست کمتر از ۸ درصد آراء را به دست آوردند و موافق قانون انتخابات نخواستند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند. به دیگر سخن، آراء حدود ۱۲ درصد از رأی دهندگان در نظر گرفته نشد. بدین ترتیب در مجلس آینده مصر تنها یک حزب وفد مخالف دست راستی نماینده خواهد شد. حزب وفد جدید وارث حزب وفد، یکی از قدیمی ترین احزاب بورژوازی مصر است که در سال ۱۹۵۲ منسوخ شد و در سال ۱۹۷۸ از نوجازه فعالیت یافت. ناکفته نباید گذاشت که در میان ۵۷ نماینده حزب وفد جدید، گروهی هم از اعضای جمعیت ارتجاعی "اخوان المسلمین" به مجلس راه یافته اند. یعنی بورژوازی بزرگ مصر دست در دست قشری ترین و ارتجاعی ترین محافل اسلامی دارد.

مطبوعات دولتی مصر، البته انتخابات را دمکراتیک "آزاد" معرفی می کنند. ولی نیروهای مخالف، درستی آن را مورد تردید قرار داده اند و از جمله فواد سراج الدین رهبر حزب وفد جدید اعلام داشت، حزب حاکم نتایج آن را از پیش تنظیم کرده است.

در عین حال باید یاد آور شد که به جز نمایندگان انتخاب شده، حتی مبارک رییس جمهور هم ۲۰ تن را به نمایندگی منصوب می کند. این رسم از زمان

به شهادت می رسانند) تا آنجا که ما می دانیم چراغ سبز داده شده است. عده ای از خارج برگشته اند و عده ای در حال برگشتن هستند."

اوپس کارنامه سیاه جمهوری اسلامی را در جهت خود کفایی و تأمین زندگی زحمتکشان بدین صورت ارائه می کند:

"به جای تولید بیشتر، روزی روز و اردات بیشتری داشته باشیم. به جای ۵۰۰ هزار تن گندم، ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن گندم وارد کنیم (و اعلام جهاد تخلیه بندر بدیم!) مستضعفین و مردم را از پای در بیاورد و مستضعفین و مردم نتوانند زندگی کنند ... جان مردم دارد به لب می رسد... واقعیت اینست! مردم بزرگوار ایران، مردم انقلابی ایران! من معتقدم که بعد از پنج سال ما مانده ایم ..."

سادات همچنان به جای مانده است.

یک نکته قابل توجه اینست که از حدود ۱۲/۵ میلیون نفر که نامشان به عنوان انتخاب کننده ثبت شده بود، تنها ۵ میلیون نفر، یعنی ۴۲/۱۴ درصد در انتخابات شرکت کردند. از این آراء هم ۱۷۶ هزار رأی غیر معتبر اعلام شده است. برای جمعیت ۴۷ میلیونی مصر که همه شهروندان بالای ۱۸ سال حق انتخاب کردن دارند، قاعدتاً باید حدود ۲۰ میلیون رأی دهنده وجود داشته باشد. بنابراین دادن حق رأی تنها به ۱۲/۵ میلیون نفر از رأی دهندگان و شرکت کمتر از نصف آنان در انتخابات نشان می دهد که مجلس آینده مصر در بهترین حالت - اگر تقلبات هم در نظر گرفته نشود - تنها نماینده کمتر از ۲۵ درصد از اهالی است و آراء ۷۵ درصد اهالی را پشت سر خود ندارد.

توجه

با انتشار مجدد "نامه مردم"، ارکان مرکزی حزب توده ایران اعضاء، هواداران حزب و مردم ایران امکان یافته اند برای آگاهی از سیاست، موضع گیری، خط مشی، تصمیمات و اقدامات حزب توده ایران از این سرچشمه اصلی بهره ور گردند. از این رو، "راه توده" که با الهام از مواضع حزب توده ایران و از سوی سازمان های حزب توده ایران در خارج از کشور منتشر می شود ضمن اینکه خود را موظف به تبعیت کامل از خط مشی "نامه مردم" می داند از این پس هر دو هفته یکبار منتشر خواهد شد.

کمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

کانادا

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 95

Monday, 11 June 84

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	1 DM	U.S.A.	50
Austria	3 Fr.	Sch.	Sweden
			3
			Skr.

راه
توده